

خان تربیت - افتخار الواعظین - آقامیرزا ابراهیم خان
حاج میرزا رضاخان - حاج شیخ رئیس - آقامیرزا رضا
خان نائیبی - آقا میرزا قاسم خان - حاج عزالممالک
آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا - حاج سید ابراهیم
حاج شیخ اسدالله - آقا میرزا رضای مسنوفی - آدینه
محمدخان - متین السلطنه .
رد کنندگان (۱۰ نفر) .

آقای میرزا ابراهیم قمی - محمد هاشم میرزا -
دکتر حاج رضاخان - معزز الملک - طباطبائی - فرزانه
آقا میرزا اسدالله خان کردستانی - سعیدالاطباء -
لواءالدوله - ارباب کیخسرو .
(اسامی رأیهای باوراق) .

(۲) رأی در ماده (۱۴) قانون تعرفه تلگرافی
با کثرت (۴۸) رأی (تصویب کنندگان) صدرالعلماء
دکتر اسمعیل خان - آقا شیخ علی شیرازی - زنجانی -
حاج شیخ رئیس - معتمدالتجار - ذکاءالملک - حاج
سید نصرالله - انتظام الحکماء - آقامیرزا داودخان
رکن الممالک - دکتر حیدر میرزا - دکتر حاج رضا
خان - لسان الحکماء - حاج شیخ علی خراسانی -
مساوات شیبانی - سلیمان میرزا - آقامیرزا ابراهیم قمی -
آقا سید محمد رضا همدانی - سعیدالاطباء - آقامیرزا احمد
منتصر السلطان - آقامیرزا مرتضی قلیخان - آقا سید
حسین کزازی - ابوالقاسم میرزا - معذل الدوله -
معاذ السلطنه - آقا میرزا اسدالله خان - کردستانی
طباطبائی - آقا میرزا قاسم خان - اعتصام الملک -
افتخار الواعظین - حاج معین الرعایا - ضیاء الممالک -
نجم آبادی - عز الملک - شیخ غلامحسین - حاج میرزا
رضاخان - شیخ اسدالله - آقا شیخ حسین یزدی -
حاج عزالممالک - میرزا یانس - دهخدا - حاج سید
ابراهیم - هشترودی - آقا میرزا رضای مستوفی .
(رد کنندگان ۸ نفر) .

آقا میرزا ابراهیم خان - آقامیرزا رضا خان
نائیبی - فرزانه - معزز الملک - نیر السلطان - حاج وکیل -
الرعایا - ادیبالتجار - محمد هاشم میرزا .

جلسه ۲۶۲

صورت مشروح روز ۳ شنبه ۲۲

شهر جمادی الاخری ۱۳۲۹

رئیس (آقای مومن الملک) ۳ ساعت ونیم
قبل از ظهر در صندلی ریاست جلوس نموده و ۳ ساعت
وربع قبل از ظهر مجلس رسماً افتتاح شد
صورت مذاکرت جلسه روز شنبه ۱۹ را آقای
آقامیرزا رضاخان نائیبی قرائت نمود
(غائبین جلسه قبل) آقایان ناصر الاسلام -
حاجی محمد کریمخان بدون اجازه - آقای بهجت
با اجازه .

محمد هاشم میرزا - آن روز راجع
بعتیقات بنده اسمی از قاچاق بزدم عرض کردم این
قانون راجع بعتیقاتی است که از حمیریات پیدا می
شود و مالیاتی بعنوان عتیقات بسته شده است مطلق که
نوشته بود سواى قالیچه و قالی که از عتیقات خارج
بشود و در گمرک اگر بخواهد مالیاتی بر آن ببندند
علیحده است اسمی از قاچاق نبردم .

رئیس - اصلاح میشود
دکتر اسمعیل خان - بنده در باب ملکیت
بریروز عرض کردم اگر مالک دولت باشد عشر

بمستخرج بدهد و اگر در املاک شخصی باشد عشر
بمستخرج و عشر بصاحب ملک میدهد که حق الارض
باشد اینجا اشتباه شده است

رئیس - اصلاح می شود دیگر ملاحظاتی
نیست (اظهاری نشد - صورت مجلس با این اصلاحات
تصویب شد) - کاغذی است از آقای سپهدار اعظم
رسیده است قرائت می شود (بعمارت ذیل خوانده شد)
مقام مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

چون برای استعلاج چشم علی اصغر بنده زاده
و اقامت او برای تحصیل و سیاحت خود بنده پاروپ
و مسافرت یک چندی برای رفع خستگی قسمت این
قسم شد که بغتة حرکت کردم و آقای ساعدالدوله
اخوی را برای خدمت دولت و ملت و مجلس مقدس
بودیعه و نعم البدل در اینجا برقرار داشتم از
مجلس محترم استدعا دارم که در حق آن برادری که
بادگار من است و خود او هم حق بزرگ برای
خدمات در راه ملت و مشروطیت و انعقاد
مجلس دارد کمال همراهی و معاونت و توجه دافرموده
باشد دیگر استدعائی از نمایندگان محترم ندارم و
سعادت آنها را از خداوند متمال خواهانم ۱۷ شهر
جمادی الثانی ۱۳۲۹ (محمد ولی)

رئیس - مذاکراتی ندارد فقط برای اطلاع
بود دستور جلسه امروز قانون جنگل ها بقیه شور در قانون
تعرفه تلگرافی - راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع
بخالصه جات - طرح آقای عزالملک راجع بعدم قبول
نمایندگان شغل دولتی - راپورت کمیسیون بودجه
راجع بدو نفر مجاهد - معاون وزارت مالیه برای جواب
پاره سئوالات حاضر شده اند و آقای ادیبالتجار
دوازده فقره سؤال داشتند - آقای ادیبالتجار فرمائید

ادیبالتجار - اولاً عرض میکنم این
سئوالات بنده اغلب آن ها هفت ماه و شش ماه و
پنجاه بیش از این شده است البته سؤال هر نماینده
تا اهمیت نداشته باشد توسط مجلس مقدس از هیئت
وزراء و قوه مجریه اظهار نمیکند چون سئوالات
من خیلی از موقعش گذشته است و این سئوالات راجع
بشش روز و هفت روز قبل نیست و اغلب اینها هفت
و شش ماه و پنج ماه تاریخ دارد سؤال اول بنده
در باب قبوض دیوانی و معامله آنها است چنانچه همه
آقایان دیده اند و وزارت مالیه هم میدانند این مسئله
یک وزرووبالی شده است باین معنی که هم از کیسه
دولت خارج شده و بحساب دولت گذاشته اند وهم
بکیسه ارباب حقوق خیلی جزئی عاید میشود چنانچه
سالیان دراز است حقوق دیوانی را تومانی چهار
هزار سه هزار دو هزار تا یک قران و ده شاهی هم
بنده شنیده ام میفروشند سؤال بنده این است که این تفاوت
بکیسه دولت میرود بکیسه صرافان بازار یا اشخاصی
که این معاملات را میکنند و هم شنیده شده است
در خود اداره مالیه هم در اغلب اوقات صرافهائی
بودند و هستند و از قرار مذکور آن ها یک شرکتی
هم با بعضی هاداشته اند و این معامله را میکرده اند
صحت سقمش را که آیا اینها این معامله را از طرف
خودشان میکرده اند بطور تجارت یا از جانب بعضی
اشخاص بشراکت یا امانت نمیدانم سؤال میکنم آیا
در باب قبوض چه اقدام شده و تفاوت این معاملات
را آقای معاون بفرمائید که بکیسه دولت رفته است

یا خیر و برای بعد از این چه اقداماتی کرده اند که
این قسم تعدیات بدولت یا ارباب حقوق نشود سؤال
دویم بنده در باب امتیاز نقره است که در اوایل تشکیل
مجلس يك اجازه داده شد در باب نقره و شنیده شده
که تاکنون بیست کرور یا زیادتر نقره آمده است
منفعت دولت از باب ضرب سکه و تفاوت گه از در
بعضی چیز های دیگر که از این ممر و مجری عاید
دولت شده است چه مبلغ است و معاون وزارت مالیه
میتوانند صحت این معاملات را و این منفعتی را گذر
عمل ضرابخانه معین شده بفرمائید که مجلس قطع
شود و دیگر در باب تفتیش ضرابخانه که سه ماه است
البتة مطلعید که جمعی در روزنامه جات اعلان کرده اند
پنجاه هزار تومان تفاوت آن را مقابله میکنیم و هیئت تفتیش
هم برای اینکار معین شد و نتیجه آن تفتیش چه شد
شنیده شد که تقریباً در این خصوص هشتاد هزار
بلیکه صد هزار تومان آن هیئت تفتیشیه اختلاف
بیرون آورده اند و دفاتر ضراب خانه را خواسته اند
و با آنها نداده اند ولی صحت و سقمش را نمیدانم و
در این خصوص هم آنچه اطلاع دارند بفرمائید سؤال
سوم بنده و جوهری که کابینه سابق از بانک استقراضی
گرفته اند گویا شنیدم یکصد و هفتاد هزار تومان و
یک فقره چهل هزار تومان این پول از چه بابت بوده
و باز شنیدم حق تفتیش را که دولت ایران در باب
معاملات رهنی بانک استقراضی موافق قرار داشت
الغاء کرده اند و در عوض آن صد و هفتاد هزار
تومان را گرفته آیا صحیح است و حق تفتیش دولت
ایران که قیمت ندارد سلب شده است یا خیر سؤال
چهارم بنده در خصوص جناب حاج وکیل الرعایا
است آیا در وزارت مالیه آقای حاج وکیل الرعایا
چه سمتی را دارا هستند چون نظر ما همیشه بر این
است که وکلای ملت روی صندلی و کالت خدمت
این ملت را بکنند نه در وزارتخانه ها و آقای حاج
وکیل الرعایا هم خیلی زحمت کشیده اند بنده در
این مدت و کالت دو مرتبه بوزارت مالیه رفته ام و
اطلاع وافی ندارم لیکن متواتر شنیده شده آقای
حاج وکیل الرعایا در آنجا اطاق مخصوصی دارند
میخواهم بدانم آیا بودندشان در وزارت مالیه ست
رسمی داشته یا نداشته است و تصدی ایشان با مقام
و کالت گمان میکنم منافی بوده است در این خصوص
هم جواب بنده را بدهند - سؤال پنجم بنده در باب
منافع روده است مدت مدیدی است قانون روده از
مجلس گذشته که آنهم يك کمکی برای امنیه و
نظمیه مملکت باشد این قانون که از مجلس گذشت
باقصدیکه وزارت مالیه در این خصوص کرده اند آیا
منافع روده تا بحال چه شده و آیا در تمام ولایات
بطور صحیح اداره شده وهم شنیده شده چند فقره
بطور قاچاق برده اند و نظمیه از آنها جلوگیری
کرده است و مجازاتی شده است صحیح است یا خیر
سؤال ششم بنده در باب خسارتی است که دو سال
است مبتلا هستیم از بابت نان که تحمیل به دولت میشود
یعنی اظهار میشود که باید دولت متحمل شود آیا دولت
جنس نداشته است که دچار این خسارت از بابت نان
شده است یا آنکه دولت جنس بقدر کفایت داشته
و این خسارت از لابلالی گری مأمورین دولت شده
است که امروز دچار این همه زحمت و خسارت میشود

و در این صورت این خسارت ها را آیا وزارت مالیه بیای دولت چطور قبول میکند و عقیده بنده این است که این خسارت از آن اشخاص است که آن وقت مسئول اینکار بوده و بی احتیاطی کرده اند گرفته شود و وزارتین داخله و مالیه در موقع اقدام ننموده اند و برای امسال طهران که حالا سه ماه است از اول سال گذشته است با این تجربه دو ساله از طرف وزارت مالیه چه پیش بینی شده است و چه خیالات و اقدامات احتیاط کارانه نموده اند که امسال هم مسئله (فعرزنا بنالک) نشود و امسال جلوگیری بشود سؤال هفتم در باب دیوان محاسبات است آیا اقداماتی که از دیوان محاسبات در این مدت شده و رسیدگی ها که کرده است سندیت داشته یا خیر در صورتیکه سندیت داشته شنیده میشود خیلی از احکام دیوان محاسبات بلا اجرا مانده است علت این چه بوده دیوان محاسبات جدید را کی پیشنهاد خواهید کرد باشد احتیاج بآن و هم شنیده شده است بعضی از قروض شخصی را در کابینه های پیش بیای قروض دولتی حساب کرده اند که در جزع پر تکلیف هم بوده است اسامی را عرض نمیکنم ولی مشهور است بعضی قروض شخصی بیای دولت یا حساب کرده اند یا در صدند و یا خیال حساب کردن دارند و یا خیال دارند بعد از این حساب بکنند و عرض میکنم که اگر همچو چیزی باشد وزارت مالیه نباید اقدام بکنند با آن اطمینانی که مجلس شورای ملی بوزارت مالیه دارد قروض شخصی را بیای دولت مظلوم نباید حساب بکنند سؤال نهم بنده در باب عمل کرد خالصه نیشابور است که از بابت اعانه شاهزاده نیرالدوله بدولت داده است در این خصوصى سؤال میکنم که عایدات سال گذشته و امسال چه بوده است چون شنیده شده که عایدی سال گذشته ایتیل بیست و پنج هزار تومان بوده است ثبت و صورت جزء آن را هم بینده داده اند در این خصوص هم اقدامات خودتان را بفرمائید و نیز شنیده ام که بحساب وزارت مالیه خیلی از این مبلغها کمتر بخرج آورده اند و هم اداره کردن املاک خالصه نیشابور و عایدی آنها در تحت نظارت مالیه بوده یعنی آن امین مالیه که مبلغ خطیری در بودجه دیدم از بابت حقوق امین مالیه نیشابور بخرج آورده اند او عمل کرده است یا دیگری وزارت مالیه صحت اینکار را میتوانند بفرمایند سؤال دهم بنده این است که وجوهی را که دوائر ثلاث طهران و سایر شهر های ایران گرفته اند آیا حساب این وجوه را آقای معاون وزارت مالیه بطور صحیح میتوانند بفرمایند که بوزارت مالیه داده شده است از تمام ولایات این وجوه را مردم با این ضعف بنیه شان اطاعت کرده و داده اند بمصارف ملت و شهر ها رسیده است یا خیر؟ و حساب های صافی آن با کمال اطمینان بطهران و مرکز رسیده است یا خیر و باسم دوائر ثلاث بعد از این هم از مردم پول خواهند گرفت یا خیر؟ یا زدهم در باب اصلاحات و کم کردن اجزای ادارات مرکزی وزارت مالیه و سایر ولایات سابق در هر شهری يك نفر پیشکار مالیه بود نهایت در تحت اوامر حکومت بوده او اداره میکرد در سال دو بیست الی سیصد تومان یا قدری زیاد تر میگرفت این اوقات مالیه مملکت البته باید بطور تجدید اداره شود ولی

مراد اولیای امور صحت عمل است نه زیاد کردن صندلی و یز و اجزای اداره بنده از قراریکه از قزوین اطلاع دارم خیلی زیاد روی در توسعه اداره آنجا شده بمیزانی که در بودجه دیده ام در سایر ولایات هم آن توسعه را از حیث میز و صندلی و اعضاء و حقوق معمول داشته اند مالیه مملکت طاقت این تحمیلات زیاد را ندارد بنده عرض نمیکنم که فقط یک نفر پیشکار مالیه در يك شهری مالیه را اداره بکند اجزاء هم لازم دارد و مخصوصاً نمایندگان مملکت و خود حضرتعالی که معاون وزارت مالیه هستتید تصدیق خواهید کرد که خیلی زیاد روی شده است و با این ضیق مالیه مملکت این توسعه در ادارات مالیه را مقتضی نمیدانم در این خصوص چه اقداماتی کرده اند سؤال دوازدهم در باب جنس های دولتی سال آتیه دریابخت و شهرهای دیگر چه اقداماتی نموده اند آیا امسال باز هم معاملات تسعیر خرواری دو تومان و بیست و پنج قران خواهد شد یا اینکه يك قرار کلی صحیحی گذاشته اید که مردم از بابت نان لامحاله آسوده باشد یکی هم از سئوالات بنده هم شنیده ام بیست و چهار هزار لیره (آقایان هم شنیده اند)...

رئیس - موقعش نیست .

ادیب التجار - خیلی خوب عجاله جواب این سئوالات بنده را آقای معاون استدعا میکنم بفرمایند **معاون وزارت مالیه** - اگر چه خود آقای ادیب التجار ابتداء فرموده اند که این سئوالات را ۶ ماه است کرده اند و تا کنون جواب ایشان بعهده تأخیر افتاده است ولی چون بنده میدانستم که ایشان ساعی هستند که زود جواب داده شود بنده هم در این چند روزه تا اندازه که ممکن بود سعی کردم که جواب های ایشان را امروز عرض کنم اولاً در باب قبوض دیوانی و معاملات که شده است و اینکه این تفاوت بکیسه کی رفته است این مسئله تفتیش خیلی خیلی مشکل است که رسیدگی بکنند گمان نمیکنم بتوانیم ولی چیزی را که در این چند روزه بعد از زحمات زیاد توانسته ام تحقیق کنم این است از بابت تنزیلی که در این باب شده است از بابت قبوض سنه ماضیه تقریباً مبلغ ۷۹۸۰ تومان بکیسه دولت یعنی بخزانة دولت عاید شده و اما از بابت سنه آتیه که فرمودید برای سال آتیه چه قرار دادید وزارت مالیه با خزانه دار کل مشغول ترتیب جدیدی است که نتیجه اقداماتی که میکند البته از نظر نمایندگان محترم خواهد گذشت و از تصویب مجلس هم خواهد گذشت و يك قاعده اتخاذ خواهد کرد که بعموم مردم حقوقشان عاید بشود بدون اینکه خسارتی بکسی وارد بیاید و اما اینکه فرمودید صرفاً در وزارت مالیه بوده است آن را بنده اطلاع ندارم یعنی در این چند روزه که بنده بودم همچو چیزی را بنده اطلاع ندارم و در سئوالات هم چون تصریح نشده بود چنین چیزی این است که نمیتوانم جواب این را عرض بکنم و در باب نقره که سؤال فرمودید که چه قدر وارد و چه قدر عاید دولت شده در سنه ایتیل چهل و يك هزار و ششصد و شصت و سه قرص نقره وارد شده که قیمت آن چهار میلیون و یکصد و هشتاد و سه هزار و پانصد و پنجاه و نه تومان و پنج هزار و دوهشده است که از این بابت شصت و هشت هزار و هشتصد و شصت و هفت تومان و شش هزار و کسری عاید دولت شده و در باب ضرابخانه و تفتیش آن نتیجه

که از این کار حاصل شده است این است که از دو ماه قبل وزارت مالیه يك هیئتی را برای تفتیش امور ضرابخانه معین کرده است و مشغول تفتیش شده اند لکن راپورتی که بوزارت مالیه داده اند ناقص بوده و چون ناقص بوده این مسئله را در دو هفته قبل وزارت مالیه رجوع کرد بخزانة دار کل که يك تفتیش خوبی در این مسئله عمل بیاورد و نتیجه تفتیش خودش را بوزارت مالیه اطلاع بدهد و پس از رسیدن راپورت از خزانه دار کل بعرض مجلس خواهد رسید و فعلاً «مستر ده یکی» را که یکی از مستخدمین امریکائی است مأمور اینکار کرده اند و از بابت وجهی که فرمودید از بانك استتراض گرفته شده از چه بابت بوده وجهی که گرفته شده یکصد و هشتاد و پنج هزار و یکصد و سه تومان و کسری است و از بابت مازاد عایدات گمرکات شمالی بوده است لاغیر در باب آقای حاج وکیل الرعایا که فرمودید وزارت مالیه چه سمتی دارند آنچه بنده در این چند روز تحقیق کرده ام گویا در سابق در هیئت مدیره خدماتی بایشان رجوع شده آن خدمات ناقص مانده است پس از افتتاح مجلس شورای ملی از طرف مجلس باو اجازه داده شده که کارهای سابق خودش را امتداد دهد و با تمام برساند و پس از ختم عمل دیگر کاری در وزارت مالیه نداشته باشد و از این جهت ایشان مشغول بوده اند و کارهایی که از طرف وزارت مالیه من غیر رسم بایشان رجوع میشده دنبال داشته اند ولی سمت رسمیتی در وزارت مالیه ندارند و يك مخصوصی بطوریکه فرمودید بنده در این چند روزه ندیده ام که داشته باشند و ندارند در باب عمل روده که فرمودید که چقدر عاید دولت شده است صورت آن را بنده جداً خواسته ام و تا روز پنجشنبه حاضر خواهد شد و صورت عایدات آن را بعرض نمایندگان محترم خواهم رسانید ولی اداره آن مرتب است چه در مرکز و چه در ولایات مشغول کار هستند و بعد هامتوانیم اطمینان داشته باشیم که عایدات این اداره هم مثل سایر ادارات دولتی در تحت نظر دولت بوده حیث و میل نشود در باب خسارتیکه بدولت از بابت گندمی که بمصرف نان شهر رسیده آنچه تخمین صورت به بنده داده اند تقریباً از اول حمل تا حال (۱۲۱۷۵) خروار گندم از طرف دولت بخرها داده شده است و از قرار خرواری سیزده تومان و پنج هزار دولت قیمت گرفته تفاوت آن تا بحال معلوم نشده است چون بتوسط اداره جهانیان طومانیانس شرکت خیریه شرکت متفقه داده نشده و از بابت خسارت صورت خواسته ایم و هنوز صورت نداده اند که قیمت نان در این ایام چه بوده تا اینکه معلوم بشود خسارت دولت چه بوده جواب این را تحقیق کرده در جلسه بعد عرض خواهم کرد که چقدر خسارت دولت در این مدت کشیده است و اینکه فرمودید که کی علت این خسارت شده است این مسئله خیلی غامض است که باید بعد از تحقیق و رسیدگی معلوم شود که کی عمداً يك همچو کاری کرده است و گندم دولت را تسعیر کرده است قبل از وقت داده است که بعد دولت دچار سختی شده است که آن وقت دولت نتواند از کسی مطالبه خسارت را بکند عجالتاً این خسارت را متحمل شده در باب اقداماتی که دیوان محاسبات در این مدت کرده است سؤال کردید که سندیت داشته است یا خیر؟ البته

اقداماتی که کرده است تا بحال اگر سندیت نداشت دولت آن هیئت را در آنجا نمی پذیرفت و بدیهی است که سندیت داشته است در باب اجرای کارهایی که از آن هیئت صادر شده البته وزارت مالیه جداً تعقیب خواهد کرد و بموقع اجراء خواهد گذاشت در باب دیوان محاسبات جدید همین روزها اسامی که باید پیشنهاد بشود بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد که اعضای آن را انتخاب کنند در باب فروش شخصی بعضی که فرمودید جز عقوق و دولت حساب کرده اند صورت اینها خواسته ام و در جلسه بعد عرض خواهم کرد ولی بطوریکه از خارج به بنده اطلاع داده اند بک عده طلب اشخاص را دخیل کرده اند در قروض دولتی ولی بطور تحقیق نمیدانم البته تحقیق میکنم و بعد از تحقیق عرض میکنم اما اینکه فرمودید در آئیه وزارت مالیه یک چنین خیالی دارد ابتدا چنین چیزی نیست و ابتدا صحت ندارد که بخواهد قروض کسی را جزء قروض دولتی حساب بکند در باب عمل کرد املاک خاصه نیشابور که فرمودید نیست و پنجاه تومن عایدی داشته است و صورت آن را با آقای ادیب التجار داده اند اینکه میفرمایند مخالف است با آن صورتی که بوزارت مالیه رسیده است و بنده خواهش میکنم آن صورت خودشان را ببینند بدهند تا تحقیقاتی که لازم است در این باب بکنند سال گذشته خالصه نیشابور را جمع آقای حاج وکیل الرعایا کرده اند ایشان یک نفر از آنجا فرستاده اند و ضبط کرده اند که صورت ضبطی را که بوزارت مالیه داده اند عیناً حاضر است که شش هزار و هفتصد و دوازده تومن ، یک قران و پانصد دینار نقدی داشته است و ششصد و چهل و پنج و پنج من و کسری گندم داشته است و دویست و نود و نه خروار و بیست و پنج من جو داشته است و نهصد و سی و پنج خروار و شصت و پنج من گاه داشته است و سی و هشت خروار و سیزده من شلتوک و ۲۹ خروار و شصت و شش من جووزق داشته و همچنین کادانه و بعضی چیزهای دیگر و صورت مخارجی که داده اند سه هزار و هفتصد و دوازده تومن و سه هزار و ششصد و پنجاه دینار مخارج نقدی و بیست و چهار خروار و شصت و پنج من گندم و هفده خروار و پانزده من جو و پنجاه خروار شلتوک و سی و نه خروار که مخارج ادارات این کار شده است ولی وزارت مالیه هنوز این صورت را تصدیق ندارد و میخواهد یک نفر مأمور بفرستد که هم تفتیش بکند عایدی سنه گذشته را و هم قراری در باب عایدی هدهالسنه بدهد در باب دواثر ثلاث سؤال کردید که وجوهی که در این مدت عاید دولت شده چه بوده است و بطور صحیح چه قدر عاید دولت شده است از اول حمل ایت تیل تا اول حوت ایت تیل عایدات دواثر ثلاث چهارصد و شصت و پنجاه و چهارصد و پنجاه و یک تومن و سه هزار و نهصد و شصت و نود دینار بوده است و مخارج اداری یکصد و چهارده هزار و چهارصد و دو تومن و سه هزار و هفتصد و هشتاد دینار و اما اینکه سؤال فرمودید حالیه باسم دواثر ثلاث چیزی اخذ می شود عرض میکنم که وزارت مالیه جز اداره تجدید تریاک اداره دیگری رانمی شناسد در خصوص اصلاح و کم کردن ادارات مرکزی و ولایات بنده در این خصوص تمام فرمایشات آقای ادیب التجار را قبول دارم و البته خیلی ادارات را باید کاست و اینکه بوجه

ها را وزارت مالیه خواست که تجدید نظری بکند برای همین بود که جرح و تعدیلی که لازم است یعنی بعضی ادارات را که ابتدا لازم ندارد و بتدریج دولت نمی خورد آنها را جرح کنند ماده کنند و پیشنهاد مجلس نمایند در باب گندمیکه از برای شهر طهران و ولایات که فرمودید لازم است و دولت چه تهیه کرده به موجب رایورتی که از طرف حکومت طهران بوزارت مالیه رسیده رسماً اشعار شده است که از امروز دیگر محتاج بکنند دولت نیستند زیرا که گندم زیاد است و ابتدا دیگر دولت محتاج باین خسارت نخواهد بود که تحمیلی بدولت بشود و از بابات سال آتی هم بوزارت داخله اشعار شده است از وزارت مالیه که آنچه گندم لازم دارند قبلاً اطلاع داده شود که وزارت مالیه تهیه ببیند و اما اینکه فرمودید جنس ولایات و مرکز را خیال تسعیر دارند خیر ابتدا تا بحال چنین اجازه بکسی داده نشده است و در این باب یک قصه صحتی اتخاذ خواهد شد و حتی الامکان اقدام خواهد شد که جاهائی که ممکن است تسعیر بشود یک مسئله هم گویا راجع بنسک بود که آنرا هم سؤال فرموده بودید و اینجا اظهار نکردید ولی حاضر است عرض میکنم

رئیس - موقعش نیست .

معاون - بسیار خوب .

ادیب التجار -

در خصوص قبوض دیوانی کاز گذشته ها فرمودند اطلاعی نداشته اند و هیئت تفتیشیه همین خواهند کرد استدعا میکنم چون این کار مهمی است و یک بدنامی برای دولت حاصل شده است و یک پول معینی را جمعی مفتخور خورده اند بنده استدعا میکنم با آن جدیتی که آقای معاضد الملک دارند یک جدیتی بکنند و یک هیئت تفتیشیه را که دولت بیسند و مقبول وزارت مالیه باشد تعیین بفرمایند که این بدنامی از دولت رفع شده و برای بعد از این هم طوری بکنند که اگر یک چیز زیادی هم داده می شود بکسی دولت عاید شود که در حقیقت بکسی افراد ملت داخل شده است و مردم هم خیلی راضی هستند باینکه این تفاوت بکسی دولت عاید نشود بکسی بعضی اشخاص دیگر در خصوص نقره و منافع آن که فرمودید یک چیزی سؤال کرده بودم که صحت آن را بفرمایند که این حساب و این نفی که بیان کردند آیا بطور صحیح همین قدرها میشود و آن راجع به تفتیش می شود تفتیش راهم که فرمودند دوماه پیش از این تاسیس شده است هنوز نتیجه بعمل نیامده است امیدوارم همینطوریکه فرمودید نتیجه آن را بمجلس عرض بکنند و جوهرها که از بانک استقراضی گرفته اند فرمودند یکصد و هشتاد هزار و کسری بوده است یک چیزی هم بنده عرض کردم جوابش را فرمودند شنیدم که این وجه در خصوص الغاء حق تفتیش دولت ایران گرفته شده است یا این پول دیگر است و این صحیح است یا خیر حق تفتیش که هیچ قیمت ندارد آیا برداشته اند یا برداشته اند در خصوص حاج وکیل الرعایا که در وزارت مالیه اطاقی بایشان راجع بوده است این روزها را عرض نکردم سابقاً البته همه نمایندگان شنیده اند زیرا عرض کردم آیا امروز هم متصدی امور هستند یا خیر اینها بفرمایند

در باب منافع روده که فرمودند مقدار و مبلغ عایدی روده را وصحت عمل اداره او را در خصوص قاچاق او فرمودند که چندین مرتبه بطور قاچاق برده اند از سرحد ایران و بعد از این هم مواظبت خودشان و اداره کردن وزارت مالیه آنرا فرمودند در باب خساراتی که وزارت مالیه در عمل نان با آن سئوالاتی که در مجلس مکرر در مکرر بنده کردم و با آن اصراریکه هر یک از آقایان نمایندگان داشتند که علاج واته قبل از وقوع باید کرد و این بی مبالاتی که وزارت مالیه در تهیه جنس برای دارالخلافه بایودن جنس کرده است بنده عرض میکنم که گناه این بی مبالاتی که از بعضی اشخاص در سابق شده است دولت و ملت آن خسارت را قبول نمیکنند و وزارت مالیه هم قبول نمیکنند و آن اشخاصی که مسئول بوده اند این جنس آذوقه تهران را بموقع حاضر بکنند و نکرده اند با آنهمه سئوالاتی که کرده بودیم گمان میکنم که این خسارت بای آنها باشد در باب دیوان محاسبات هم انشاء الله همینطوریکه فرمودند اعضای آن را زودتر پیشنهاد مجلس خواهند فرمود که قدری از این مقدمات گذشته آسوده شویم در باب قروضهای شخصی هم زودتر همینطوریکه وعده فرمودید بعرض مجلس خواهید رسانید در باب عمل کرد املاک خالصه نیشابور چون وقت مجلس را بنده خیلی قیمتی میدانم و میترسم آقای رئیس منع بکنند که وقت مجلس را تضییع نکنید باین جهت اینجا عرض نمیکم لکن در خارج مجلس صورت جز آن حاضر است که عمل کرد آنرا نمینمایند در باب وجوهی را که از از بابات دواثر ثلاث فرمودند ندانستم که این مبلغ راجع بچند محل بوده است یا تمام ولایات بوده یعنی باسم دواثر ثلاث اصلاح و کم کردن ادارات هم که فرمودند خیلی متشکریم که اقدام بفرمایند در خصوص جنس دولت هم خیلی متشکریم که جواب آنرا قدری واضحتر بفرمایند .

رئیس - اینکه می بینند جواب سئوالات را مبهم میدهند برای این است که مبهم سؤال می کنند باید سؤال را واضح بکنند تا جواب را واضح بگویند .

معاون وزارت مالیه -

بله بطوریکه حضرت رئیس هم اشاره فرمودند بعضی سئوالات بطور مبهم شده بود باینجه بنده هم تحقیقات در آن موارد نکردم و در مسئله تفتیش که فرمودند این بولی که گرفته شده است راجع بالغاء حق تفتیش بوده است که از بانک گرفته اند آنرا هم چون در ضمن سؤال توضیح فرموده بودید این است که جواب شمارا دادم که این از باب عایدات گمرکات شمال بوده است اما در باب تفتیش راجع بقبوض هیئت تفتیش که معین خواهد شد بنده خیلی جد خواهم کرد که هر چه زودتر معین شود که تفصیل این قبوض از چه قرار بوده است در باب صورت عایدات خالصجات نیشابور هم خیلی متشکر میشوم که صورت آن را بفرستید بوزارت مالیه در باب عایدات دواثر ثلاث هم راجع بعایدات دواثر ثلاث در تمام مملکت بوده است اختصاص بجائی ندارد .

رئیس - بعضی سئوالات دیگر هم هست ولی اگر بخواهیم همه سئوالات را بنمایند شاید تمام

جلسه صرف سئوالات بشود خوب است جلسه دیگر هم حاضر شود که آن سئوالات بشود .
معاون وزارت مالیه - حالا استدعا می کنم که راپورت قوانین مالیه راجع بخالصجات را مقدم بدارید .
رئیس - رای میگیریم بحق تقدم راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بعمل خالصجات آقایانی که تقدم این راپورت را سایر مسائل دستور تصویب می فرمایند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد - حالا مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست ؟
دکتر حاج رضا خان - بنده اجازه خواسته ام .

رئیس - مخالف هستید ؟
دکتر حاج رضا خان - بله مخالف هستم ،
رئیس - بفرمائید .

دکتر حاج رضا خان - بنده چون خودم جزء اعضاء کمیسیون قوانین مالیه هستم برای بنده خیلی مشکلات در آنجا دست داد که حل نشد لهذا بیشتر ایرادات و مخالفت بنده در این است که آن مشکلات حل بشود یک اجازه نامه از طرف دولت پیشنهاد شده است و او را کمیسیون رد کرد در آن وقت چند ماده از کمیسیون در ضمن راپورت خودشان پیشنهاد کرده اند بنده نمیدانم که این اجازه نامه است که دولت میخواهد یا قانون است که از طرف نمایندگان پیشنهاد شده است اگر این طرح قانون است باید برود بکمیسیون مبتکرات و قابل توجه بشود بعد از آنجا راپورت بدهند و مطرح و مذاکره شود و در صورتیکه اجازه است نمیدانم کمیسیون از طرف دولت میتواند این اجازه را حاصل بکند یا اینکه خود دولت باید پیشنهاد بکند و بعد اگر اجازه لازم است مجلس بدهد آیا لازم است دولت هم مطلع باشد و بنظر دولت هم رسیده باشد یا خیر اولاً این یک اشکال بنده است ثانیاً این که ما اگر بخواهیم که برای اجازه و استجاره که راجع به مجلس است یک اختیاری بوزیر بدیم قانون اجازه و استجاره عموم اموال دولت در مجلس یک شور شده است و در کمیسیون هست . شور دوم لازم دارد به عقیده بنده اگر او میآید به مجلس خیلی زودتر میگذشت از این ماده که اینجا نوشته اند بنده نمیدانم علت اینکه او نمیآید به مجلس و یا برای حفظ خالصه تهران اجازه میدهم عرض میکنم فلسفه اینکه اجازه نامه باید بمجلس بیاید فقط برای مدت است بلکه برای آن موادی است که ما دیدیم او اجازه نامه خالصجات طهران بود آن مشروطات خانمان برانداز و این سه ماده جلوگیری نخواهد کرد از آنها لهذا بنده بکلی مخالفم با دادن خالصجات را بیک کمپانی و این سه ماده هیچ ممکن نیست جلوگیری کند از این قبیل موادی که در آن اجازه نامه سابق بود .

معاون وزارت مالیه - بله بطوریکه حضرت رئیس هم اشاره فرمودند بعضی سئوالات بطور مبهم شده بود باینجه بنده هم تحقیقات در آن موارد نکردم و در مسئله تفتیش که فرمودند این بولی که گرفته شده است راجع بالغاء حق تفتیش بوده است که از بانک گرفته اند آنرا هم چون در ضمن سؤال توضیح فرموده بودید این است که جواب شمارا دادم که این از باب عایدات گمرکات شمال بوده است اما در باب تفتیش راجع بقبوض هیئت تفتیش که معین خواهد شد بنده خیلی جد خواهم کرد که هر چه زودتر معین شود که تفصیل این قبوض از چه قرار بوده است در باب صورت عایدات خالصجات نیشابور هم خیلی متشکر میشوم که صورت آن را بفرستید بوزارت مالیه در باب عایدات دواثر ثلاث هم راجع بعایدات دواثر ثلاث در تمام مملکت بوده است اختصاص بجائی ندارد .

رئیس - بعضی سئوالات دیگر هم هست ولی اگر بخواهیم همه سئوالات را بنمایند شاید تمام

معاون وزارت مالیه - بله بطوریکه حضرت رئیس هم اشاره فرمودند بعضی سئوالات بطور مبهم شده بود باینجه بنده هم تحقیقات در آن موارد نکردم و در مسئله تفتیش که فرمودند این بولی که گرفته شده است راجع بالغاء حق تفتیش بوده است که از بانک گرفته اند آنرا هم چون در ضمن سؤال توضیح فرموده بودید این است که جواب شمارا دادم که این از باب عایدات گمرکات شمال بوده است اما در باب تفتیش راجع بقبوض هیئت تفتیش که معین خواهد شد بنده خیلی جد خواهم کرد که هر چه زودتر معین شود که تفصیل این قبوض از چه قرار بوده است در باب صورت عایدات خالصجات نیشابور هم خیلی متشکر میشوم که صورت آن را بفرستید بوزارت مالیه در باب عایدات دواثر ثلاث هم راجع بعایدات دواثر ثلاث در تمام مملکت بوده است اختصاص بجائی ندارد .

یک چیزی را که بکمیسیون رجوع میشود پیشنهاد بکنند در صورتیکه تصور میکنم چنین چیزی نباشد یک لایحه از طرف مجلس رجوع شده بود بکمیسیون با آن دلالتی که خودشان در کمیسیون بودند و تصدیق دارند و در کمیسیون هم تصدیق کردند آن پیشنهاد رد شد و حالا میفرمایند چرا کمیسیون یک پیشنهادی کرده است و به مجلس آورده است اولاً کمیسیون همیشه حق پیشنهاد بمجلس دارد دیگر آنکه میگویند نظر دولت لازم است و شرط است لابد تصدیق خواهد کرد که اگر نظر دولت شرط است معاون وزارت مالیه که آن پیشنهاد را کرده بود حضور داشت و تقریباً مثل این است که این پیشنهاد از طرف خودشان شده بود ایشان نماینده نظر دولت هستند و ما هم هیچ حق نداریم در صورتی که معاون یک وزارت خانه در کمیسیون حاضر است و یک پیشنهادی را قبول میکند بگوئیم که نظر شما نظر دولت نیست شما بروید و مخصوصاً با نظر یک دولت دیگری بیائید اما مسئله ثانوی که فرمودند چرا عوض این قانون یک قانون دیگری نیامده است اولاً این ایراد صحیحی نیست بجهت اینکه ممکنست هر قانونی بیاید بفرماید چرا این قانون آمده است قانون دیگری نیامده است ثالثاً اینکه جنابعالی در کمیسیون تشریف داشته و میدانید که در کمیسیون مذاکره شده که چون یک اصلی است در قانون اساسی که محتاج به تفسیر است راجع به نقل و انتقال چنانچه بعضی نظر دارند و نقل و انتقال که شامل اجازه میداند و بعضی شامل اجازه نمی دانند اگر نقل و انتقال را شامل اجازه و استجاره بدانیم آن وقت آن قانون اجازه که میفرمایند یک شورش شده چیز زیادی خواهد بود و برخلاف قانون اساسی خواهد بود و اگر نقل و انتقال را شامل اجازه ندانیم آن وقت هیچ تبصره قانونی نمیشود برای آن معین کرد و اگر نقل و انتقال شامل اجازه نشد آن وقت ممکن است آن قانون بیاید و برای آنکه آن نقطه نظر جناب عالی حاصل شود خوبست تقاضا بفرمائید که زودتر این مسئله تفسیر از مجلس بگذرد و تارفع اشکالات بشود یک نکته دیگر که فرمودید این سه ماده جلوگیری از آن شرایط خانه برانداز نمیکند البته مجلس شوری نظرش این باشد آنوقت مجبور خواهد شد که در هر کار جزئی خودش دخالت بکند بجهت اینکه هیچ کس جز بخودش اعتماد ندارد و البته تصدیق خواهند فرمود که باین ترتیب کار پیش نمیرود یک قوه مجریه هست در مملکت و کسانی هستند که مأمور حفظ منافع مملکتی هستند مستقیماً کلیات را مجلس شورای ملی اجازه میدهد و حفظ منافع دولت و تعیین جزئیات با دولت است ما که دیگر باین درجه هم نباید مداخله در اجرائیات بکنیم علاوه بر این چند ماده هم چندی قبل از مجلس گذشت و بیک اکثریت قرب بانفاق یک دخالتی از برای خزانه دار کل تعیین شده است که تقریباً این هم جزء وظایف آن خواهد بود در صورتی که وزارت مالیه این قبیل اشخاص صحیح دارد دیگر نباید بگوید که تمام جزئیات هم بتصویب من باید باشد این جا از حیث مدت معین شده است از حیث تبعه بودن داخله هم معین شده است دیگر سایر

شرایط جزئیاتش میماند که مثلاً بچند قسط مال الاجا ه را میدهند چطور بدهند آنها تصور میکنم که جزء وظایف مجلس باشد .
دکتر حاج رضا خان - سوء تفاهمی شده است اجازه میفرمائید توضیح بدهم .
رئیس - بفرمائید .
دکتر حاج رضا خان - آقای مخبر از قول بنده فرمودند که فلانکس میگوید حق ندارد کمیسیون یک چنین چیزی پیشنهاد کند در صورتی که کمیسیون حق دارد ابتدا بنده چنین چیزی نگفتم هیچ نگفتم کمیسیون حق ندارد بنده عرض کردم چندین اشکال دارم و یکی از آنها اینست که نمیدانم کمیسیون این حق را دارد یا ندارد .

معاون وزارت مالیه - مخصوصاً فرمودید .
آقا شیخ غلامحسین - عرض میکنم بنده دو نظر دارم در این بوساطه این دو نظر مخالف یکی این است که می بینم این قانون آمده است بمجلس و خلاف نظامنامه داخلی است بجهت اینکه در نظامنامه داخلی مینویسد طرح قانون آن است که نماینده پیشنهاد کند و پانزده نفر از نمایندگان آنرا امضاء کنند و یک ترتیب معینی ندارد لایحه قانونی آن است که از طرف وزراء پیشنهاد میشود و این نه طرح قانونی است و نه لایحه قانونی بجهت اینکه می بینم این قانون وضع میشود برای طهران مجلس شورای ملی مینشیند قانون وضع میکنند برای چند عده اطراف طهران و این ترتیب گمان میکنم که وظیفه مجلس شورای ملی آنگاه بجهت اینکه وظیفه مجلس شورای ملی وضع قانون است نه برای طهران فقط اگر میخواهد برای خالصجات قانونی وضع کند باید برای تمام خالصجات قانون وضع کند نه اینکه مجلس شورای ملی به نشیند قانون وضع کند برای خالصجات اطراف طهران .

رئیس - اما در مسئله طرح یا لایحه این اگر قبول کردنی نبود بنده هم قبول نمی کردم طرح قانونی را یک نفر نماینده هم حقدار پیشنهاد بکنند و در کمیسیون قوانین مالیه گویا دوازده نفر هستند در صورتیکه یک نفر این حق را داشته باشد دوازده نفر بطریق اولی حق خواهند داشت دیگر اینکه چون معاون وزارت مالیه در کمیسیون بوده و این را قبول کرده است این اول حالت طرح قانونی راداشته ولی بعد از قبول کردن ایشان حالت لایحه قانونی را پیدا کرده است .

معاون وزارت مالیه - چون تقاضای فوریت این طرح قانونی از رف کمیسیون شده است بنده هم تقاضای فوریت آنرا میکنم .

رئیس - حالا در کلیات آن مذاکره می کنیم .

معدل الدوله - بنده تصور میکنم وقتی یک مسئله خوب تشریح شد برای هیچکس تردید و اشکالی باقی نمیماند این دوسه مسئله است یکی این است که طرح قانونی تازه تقدیم مجلس شد و حال اینکه اینطور نبوده دیگر یک لایحه برای اجازه خالصجات دولتی تقدیم شده بود و چون آن از مجلس رد شد مجلس وظیفه خودش را ندید که داخل جزئیات

آن بشود این مسئله مسلم است که در هر امری مجلس در کلیات اوقوانین وضع میکند که ادارات دولتی در جزئیات آن اقدامات میکنند این بود که پس از آنکه آن قرار داد را که دولت پیشنهاد کرده بود رد شد کمیسیون چند ماده را که میتوانست شامل تمام جزئیات آن شود آنرا پیشنهاد کرد اما اینکه چرا تامل نکرد که در خصوص کابینه خالصجات و املاک دولتی یک طرحی پیشنهاد کند و یک تکلیف صحیحی برای این کار معین بکنیم این بجهت این بود که نظر داشتیم با اهمیت موقع چون بنده مدتی در خالصجات بودم و خوب میدانم که دولت هرگز نمیتواند باین زودبها در این چند سال اجزاء کافی عامل بدست نیابد و خالصجات را اداره کند در این مدت مدید خالصجات در تحت نظر یک وزیر اداره میشد همه اش بطور اجاره اداره میشد و حالاً که اجاره میشد اجارانش هم یک ترتیبی داشت یکسال و دو سال و سه سال و نظرم هست که هیچوقت از پنجسال تجاوز نمیکرد باین واسطه اجاره او لازم بود که زودتر اجاره شود نه اداره وزارت مالیه هم نظرش باین بود که نمیتوانست اداره بکند و قتیکه اجاره باشد بنا بر اطلاعات خارجی بنا بر مصالح مملکت بهتر از این شکلی که در اینجا شده است نمیشد که تحت نظر خزانه دار کل باشد و سه شرط اصلی در تحت سه ماده باشد یکی اینکه اجارات در کمال دقت در تحت نظارت خزانه دار کل باشد و با کمال دقتیکه وزارت مالیه میکند در تحت نظر دقتیکه خزانه دار کل دارد در تحت این شرایط اجاره برود بنده عرض میکنم که امروز اگر چنانچه یکساعت یکروز تعویق بیفتد چون تعویقش را که در نظر بیاوریم که نه در تحت نظر کمیانی است و نه اینکه دولت مداخله دارد در این صورت چقدر خسارت در هر ساعت دولت دارد و خسارت دولت بیش از این است که ما بخواهیم این ملاحظاتی تقدیم و تأخیر در اجاره بیاندازیم اینست که عرض کردم با کمال دقتیکه شده است باین ترتیب اگر اجاره بدهند جلوگیری خواهد کرد از یک خسارت کلی که ممکن است بدولت از این راه متوجه شود.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید؟

محمد هاشم میرزا - بله

رئیس - بفرمائید.

محمد هاشم میرزا - بنده باین طرحی

و اگر این حق را واگذار بکنیم وزارت مالیه گمانم این است که یک حق ثابت مجلس را واگذار کرده ایم بدون جهت وزارت مالیه و منافع زیادی در آمدن اینها بمجلس بنده میبینم چنانچه از دیدنش تمام مضار کمیانی خالصجات سابق و کمیانی گوشت حاصل شد و تمام از وظایف مجلس بود و عمل نشد و باین درد سر ما گرفتار شدیم و جمعی هم بزحمت افتادند و مجبور شدیم که بالاخره آن ترتیبی که بر خلاف قانون داده بودند منقض بکنیم لهذا بنده عقیده ام این است که در تمام اینها هر قسم که وزارت مالیه صلاح میدانند اگر چه عقیده بنده این است که نباید بجزء بخود رعایا داده شود و هیچ ضرری هم در این نمیبینم مثل مالیاتی که هزار و یک تومان و جنس یک خروار و ۲ خروار گرفته میشود و هیچ ضرری هم از اینرا بدولت وارد نمیآید و بنده منافع رعایا و منافع صحیحه دولت را هم در همین عقیده میندازم و این قانون را رد میکنم.

معاون وزارت مالیه - چیزی که وزارت مالیه را مجبور کرد و اصرار دارد که این لایحه زودتر بگذرد فقط منافع دولت است بجهت این که وزارت مالیه در یک موقعی دچار این زحمت شده است که هر چه فکری میکند بجهت شکل جلوگیری از ضرر دولت بکند میکند که بهیچ وجه ممکن نیست مگر این که بطریق مازاد قرار بدهد اگر آن جواب بنده را در جواب آقای ادیب التجار در مسئله خالصه نیشابور التفات فرموده بودند شاید مخالفت نمیکردند و تصدیق میفرمودند که هر چه خالصه دارد دولت باید اجاره بدهد نهایت یکسمله را این جا فرمودند که اگر برعایا اجاره بدهند بهتر است وزارت مالیه هم خیلی مایل است که این املاک را برعایا اجاره بدهد و وزارت مالیه پیشنهاد میکند بطریق مازاد با اطلاع خزانه دار کل اجاره بدهد حالا هر کس زیادت داد و شرایطش کمتر بود آنها را قبول میکند و بنده قصد مخالفت را در این باب هیچ نمیدانم و هر روزی که این مطلب عقب بیفتد ضرری و خسارتی در خالصجات عاید دولت خواهد شد حالا بسته برای مجلس است.

رئیس - مذاکره در کلیات کافی نیست؟ (اغلب اظهار کردند کافی است)

رئیس - چون تقاضای فوریت شده است باین تقاضای رای میگیرم بمرأی میگیریم که داخل مواد شویم آقای معاون راجع بقوریت توضیحی بدهید.

معاون وزارت مالیه - توضیح همین جمله اخیر بود که عرض کردم هر قدر این لایحه زودتر بگذرد وزارت مالیه زودتر میتواند منافع دولت را حفظ بکند و هر قدر دیرتر بگذرد موجب خسارت دولت میشود.

رئیس - آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۹۹ رأی تصویب شد حالا رای میگیریم که داخل مواد این لایحه شویم آقایانی که تصویب میکنند که داخل مواد این لایحه شویم قیام نمایند با اکثریت ۹۹ رأی تصویب شد مادام اول را بخوانید

(بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران و خواررابطور مزایده باستحضار خزانه دار کل با جاره بدهد

دکتر علی خان - مخالفت بنده مربوط بیک سؤالی است که میکنم و چون در موقع کلیات نشد اینجا عرض میکنم در اینجا نوشته شده است که وزارت مالیه باستحضار خزانه دار کل با جاره بدهد میخواستم سؤال کنم که در این لایحه که پیشنهاد شده است خزانه دار کل نظری کرده است و قبل از اینکه پیشنهاد شود با او شوری شده است و ممکن نیست که دولت خودش اداره بکند یا خیر اگر شوری شده است و نظر او در این لایحه بوده است که ممکن نیست دولت خودش اداره بکند که بنده حرفی ندارم موافق هستم اگر نظر او در این لایحه نبوده و بدون شور با خزانه دار کل پیشنهاد شده است و فقط استحضار او را شرط قرار داده اند در این صورت بنده مخالفم

معاون وزارت مالیه - وزارت مالیه قبلاً مذاکراتی در این باب با خزانه دار کل کرده است و بعد از آن این را پیشنهاد کرده است و نظریات او را هم در این پیشنهاد جلب کرده است.

هشمرودی - چون بنده آن اصل قانون اساسی را شامل میدانم با جاره هائیکه از طرف دولت باید باشد لهذا این ماده را رد میکنم مگر باین شرط که بعد از این که اجاره نامه نوشته شد بهدیه بقبولت خزانه دار کل و مجلس هم برسد یا حالا یا بعد از این اگر باین شرط که بنده هم حالا پیشنهاد میکنم چنانچه بتصویب مجلس هم میرسانند یعنی اجاره نامه آخری که نوشته شد موافقت میآید در مجلس مطرح بشود مذاکره میشود موافقت و الامتخالف

معزز الملک - چون این جا مکرر اظهار می شود و مخالفت باین مواد را موکول میکنند باصل قانون اساسی از این جهت لازم است توضیحاً عرض کنم بر فرض این که این ماده هم بگذرد گمان میکنم منافاتی با آن اصل قانون اساسی نداشته باشد بجهت این که چنانچه حضرت تالی فرمودید یک عده هستند که نظرشان این است که این ماده شامل اجاره هم میشود و یک عده هستند نظرشان برخلاف است و میگویند شامل اجاره نمیشد (حالا اگر ما صبر میکنیم که تفسیر این ماده میشود و از کمیسیون بر میگشت و میدیدیم اکثریت مجلس بکدام طرف مایل میشد و قطع میکرد تفسیر این مسئله را یک مدتی لازم داشت طین و چنانچه در موقع تقاضای فوریت معاون وزارت مالیه بیان فرمودند که تأخیر قطع عمل خالصجات همه روزه اسباب خسارت دولت است حالا برای این که یک چیزی پیشنهاد شده باشد که هم مخالفتی با آن اصل قانون اساسی نداشته باشد و هم تکلیف وزارت مالیه معین شده باشد این سه ماده پیشنهاد شده است و باین سه ماده نباید بنظر قانون ملاحظه کرد که این قانونی است که همیشه خواهد بود و بعد از سه سال دیگر هم باز سه سال به سه سال همین قانون مجری است این طور هست عرض کردم چون این ماده قانون اساسی هنوز تفسیر نشده است لکن با احتمال اینکه شاید

تفسیر بشود باین طور که اجازه میدهد هم از وظایف مجلس است لهذا ماده اول که اجازه میدهد بوزارت مالیه از طرف مجلس اجازه داده است و هیچ سلب حق نمیکند از مجلس و باین دو شرط معین و بعد هم بسایر شرایطی که خزانه دار کل و وزارت مالیه بدعا معین خواهند کرد اجازه داده میشود پس سلب حقی از مجلس از حیث خود اجازه نخواهد شد و بعد هم آن ماده این طوری که که عرض کردم همیشه نخواهد بود و از حالا وزارت مالیه مختار است این کار را بکند که برای یک مدتی که تا سه سال خواهد بود این خالصجات اطراف تهران و خوارا اجاره بدهد لیکن بعد مجلس وقت دارد که با فرصت و دقت تمام آن اصل قانون اساسی را تفسیر بکند اگر اجازه حق مجلس شد باید تمام اجارات املاک دولتی بمجلس بیاید و اگر حق مجلس نشد آن وقت مجلس شورا مختار است که یک موادی از برای تعیین تکالیف و حدود و حقوق دولت را در باب اجاره داری بنویسد چنانچه در کمیسیون قوانین مالیه هم در این خصوص چیزی موجود است پس گمان نمیکند باین دلایلیکه عرض کردم این موادی که نوشته شده است مخالفتی با قانون اساسی نداشته باشد بر فرض هم اگر مطابق این مواد اجازه بدهد که وزارت مالیه اجازه بدهد.

آقا سید حسین اردبیلی - اینکه آقای مخیر میفرمایند که گمان میکنم این قانون مخالفتی با قانون اساسی نداشته باشد بعکس بنده گمان میکنم که خالی از مخالفت نیست بجهت اینکه این ماده معاد است اینست که وزارت مالیه اجازه دارد یعنی مجلس بواسطه این قانون بوزارت مالیه اجازه بدهد که خالصجات اطراف طهران و خوار را بطور مزایده اجاره بدهد کلاً این ماده رابطه اجاره این املاک را از مجلس قطع میکند که دیگر مجلس کاری با آنها ندارد بجهت اینکه اجازه داده است و بعد از برای اینکه مجلس مطمئن باشد یکی دو ماده هم بعد از این نوشته اند و خواهد آمد که بعد از آنیکه بواسطه آن دو ماده هم مجلس خواطر جمع شد و این اجازه را داد آن وقت وزارت مالیه مجاز است که با استحضار خزانه دار کل هر طوریکه صلاح میدانند بطور مزایده اجاره بدهد و دیگر لازم نیست که مجلس دقتی در مواد اجاره نامه بکند و ملاحظاتی و نظریات خودش را اظهار نماید مفاد این ماده این است ولی این ماده با آن اصل در قانون اساسی بعقیده آنها تیکه نقل و انتقال را شامل اجاره می داند که بنده هم یکی از آنها هستم مناقات دارد و عقیده ام اینست که این اصل میگوید وقتی که املاک دولتی با جاره داده میشود کلیه مواد و شروط اجاره نامه باید بمجلس بیاید و آن شروط هم منحصر باین دو ماده نیست که در اینجا ذکر شده چنانچه آن فرادادی که پیشنهاد کرده نبود عمل چون مجلس آن ها را بواسطه مواد غیر مناسب صلاح نمی دانست لهذا رد کرد مثل اینکه با رعایا بطور رفتار بکند معاکمات آنها چطور بشود ولی این ماده مارا ملزم میکند بر این که واسطه این کار را از مجلس منقطع دانسته بوزارت مالیه اختیار بدهیم هر طوریکه صلاح

میداند اجازه بدهد و حتی مجلس را بهین قدر انحصار داده اند که بگویند مثلاً مستأجرین باید از اتباع داخله باشد یا مدت از پنجسال تجاوز نکنند در صورتیکه بنده چنانچه عرض کردم تصور میکنم که اگر این اصل قانون اساسی را در نظر بگیریم و نقل و انتقال را شامل اجازه بدانیم مجبور هستیم تمام شرایط و مواد اجازه نامه را به مجلس بیاوریم و از مجلس بگذرانیم نه اینکه فقط بهین دو شرط اکتفا بکنیم و از حیث شرایط دیگر اختیارات تام بای نخوکان بوزارت مالیه بدهیم.

معزز الملک - بنده عرض خود را دیگر تکرار نمی کنم و فقط همین قدر عرض می کنم که وقتیکه کمیسیون قوانین مالیه این ماده را داد اگر درست دقت بفرمائید خواهند دید که حقیقتاً روح این ماده این است که کمیسیون قوانین مالیه هم معتقد شده است باین که اجازه از وظایف مجلس است بجهت اینکه اگر معتقد نمیشد میگفت که حق ندارد مجلس داخل این مسائل بشود برای اینکه از وظایف او خارج است پس بلا حلقه این تصوراتی که شده است این مواد اصلی خواهد بود قید شده است که این اجازه بوزارت مالیه داده میشود ولی بشرط اینکه مدت بیش از پنج سال نباشد و مستأجر از اتباع خارجه نباشد و بعد سایر شرایطی که واگذار کرده است بنظر خزانه دار کل و نظر وزارت مالیه تصور میکنم که این منتهای سوء ظن باشد که بگویند تماماً اگر بنا نظر ما نباشد هیچکس نمیتواند کار بکند.

آقا شیخ رضا - بنده فقط راجع به مخالفتی که در این ماده دارم لازم میدانم عرایض خود را عرض کنم چون که بعضی از آقایان اینجا اظهار کردند که این ماده با قانون اساسی مخالف است یا اینکه مخالف نیست و مبتنی کردند آن را باین که اگر آن اصل تفسیر بشود بطوریکه نقل و انتقال شامل اجاره هم بشود آن وقت این مخالف خواهد بود در صورتی که این را بنده هیچ محتاج به تفسیر نمیدانم بجهت اینکه هر چیزی را که اسمش را اجاره بگذارند آن اجاره نمیشود این بیع است و از آقایان فقها هم البته در اینجا هستند و تصدیق خواهند فرمود پس بهر حال در صورتی هم که انتقال شامل اجاره نشود چون این بیع است آن اصل شامل این مسئله خواهد شد بجهت اینکه حاصل دولت از محصولات خالصجات اعیان است بلکه اگر در ضمن دکا کین یا بعضی از چیزها می بود ممکن بود که اجاره باشد ولی چون اینجا عده آنها اعیان است از قبیل جو و گندم آنها را کسی اجاره نمیدهد بلکه آنها را میفروشند و البته آقایان هم تصدیق خواهند فرمود که در شرع اسلام و سایر ادیان هم همینطور است در دادن اعیان اجاره هیچ موضوعیتی ندارد اجازه دادن این است که عین را بدهد باو تا یک مدتی داشته باشد و از آن انتفاع ببرد و بعد از آن عین را بتویس بدهد وقتی که عین را بدهی که بخورد این اجاره دادن نیست این فروختن است اینرا اجاره گفتن غلط است ولی این یک غلطی است که عاومه مملکت ما بآن گرفتار شده اند و تمام شتجات مالاها و غیر مالاها هم این قسم است در صورتیکه این قسم از معاملات بیع است نه اجاره پس اجازه دادن خالصجات عین فروختن

محصولات آنها است و بهر حال مشمول آن ماده قانون اساسی هست پس لازمست که بمجلس بیاید و الحمد لله هم آمده است ولو اینکه آن اصل تفسیر نشده است و حال اینکه تفسیر شده ولی راپورتش هنوز بمجلس نیامده است حالا بنده نظرم باینها نیست و اشکال بنده این بود که آقای معاون در ضمن مذاکره در کلیات اظهار کردند که بعضی از آقایان اظهار کردند که بهتر این بود که این املاک داده شود بسکنه آن دهات و فرمودند که وزارت مالیه البته بطور مزایده بمعرض گذاشت آن وقت هر که خواست میخرد و دهاتیان هم اگر خواستند حق دارند و بآنها داده میشود ولی بنده تصور میکنم که این ماده این را نمی رساند بجهت اینکه حالا که سایر جاها که صاحبان آن اراضی سکنه شهرها هستند و دولت حقیرا که دارد از آنها میگیرد و بواسطه مستأجر دیگری نیست آیا میشود گفت که آنها مستأجرند صورتاً این معنی در آنها هست ولی این عنوان در آنها نیست پس همینکه گفته میشود که مجلس اجازه میدهد که دولت املاک خالصه را اجاره بدهد این معنی نیست که بفر بدهد و این محصولات را بفروشد بکسان دیگر ظاهراً اینطور است البته تصدیق هم میفرمائید و همینطور است (گفته شد - این طور نیست) اگر این طور نیست بعد بیائید این جا و جواب بدهید بنده که چنین تصور میکنم که صاحبان اراضی ثمره آن محصولات را که از اراضی خودشان باید بدولت بدهند آنها را از دولت نه اجازه کرده اند و نه عنوان اجازه داری بآنها داده میشود حالا اینجا همین طور یعنی اگر بنا بود دهاتیان بدهند هیچ لازم نبود که اینطور نوشته شود و بیاورند به مجلس همینطور بآنها میدانند و حق دولت را میگیرند ولی این که اینطور نوشته شده است معلوم میشود که این اجازه باین است نه بخودشان آن وقت در این باب بنده عرض دارم و آن این است که اگر بنا باشد بدینکار بدهند تصور نمیکنم که مصلحت دولت باشد بجهت اینکه مصلحت دولت که گفته میشود نه تنها راجع است باموال که یک قدر بولی عاید دولت بشود بلکه دولت هم اراضی محصولات دارد و هم نفوس دارد که عده است بجهت اینکه اگر نفوس نداشته باشد اراضی و اموال هیچ فائده ای ندارد نفوس است که تزیاید بیدمیکند و اراضی را دایر میکنند و محصولات آن عاید دولت میشود باین جهت بنده تصور میکنم که ولو اینکه مقدار کمتر از سایرین از این اراضی را در حق دولت را از شهرها بلا واسطه از خود آنها میگیرند از اینها همین طور بتوسط مأمورین دولتی بگیرند بهتر است از این که از مستأجرین که در حقیقت خریداران نفوس آنها هستند بجهت این که با این ترتیب است اهالی آنها بمنزله عیسی هستند که فروخته میشود چنانچه خود آقایان هم میبینند که وقتی که بیرون میروند دامن آنها را میگیرند و بنده هم یکی از آنها هستم که دامنشان میگیرند پس این جهت را باید ملاحظه کرد که دولت نفوس را که عبارت از هیئت جامعه مملکت است بیشتر اهمیت بدهد از این گذشته بنده هیچ تصور نمی کنم که تفاوتی هم داشته باشد یعنی یک منفعتی داشته باشد

فروختن اینها که اسمش را اجاره میگذارند باینکه از خود آنها بگیرند اگر آقای معاون یا سایر اجراء دولت بگویند که دولت ممکنش نیست که این حقوق را خودش از خالیجات بگیرد بنده عرض میکنم که در این صورت اگر بان کسانی هم که اسمشان را مستأجر نمیگذارند بدهند باز باید دولت بگیرد بجهت اینکه در این مدتی که بطور باطل اینها فروخته شده بودند آنچه را که مستأجر و مالکین موقتی از آنها می گرفته بکمک دولت و بتوسط مأمورین دولت بود پس چه فرق میکند که دولت بدهد بدیگری تا اینکه بهر طوری که دلش میخواد رفتار بکند یا اینکه خودش با آن رفتی که نسبت بر عابای خودش خواهد داشت مستقیماً از آنها بگیرد مسلم است که بدیگران دادن زحمتش بر عابا و سکنه خالصجات بیشتر است از اینکه خودش بگیرد و اگر چه يك چیز جزئی هم تصور بشود که باید مستأجرین بدهند لکن دولت باید بداند که در مقابل آن چقدر نفوس و اهالی آن جا صدمه خواهند رسانید که آنها را در فشار خواهند گذاشت و از دولت و ملت و هیئت های دولتی و ملتی خواهند رنجانید و اینها يك خسارتی است که تحمل آنها شاید صحیح نباشد پس بنده باین ملاحظاتی که عرض میکنم بنظر هم چو میاید که دولت حقوقی را که در خالصجات دارد اگر بتوسط مأمورین خودش وصول بکند و بگیرد بهتر است از اینکه بدهد بدست دیگران و آن وقت آنها به کمک مأمورین دولتی بعلاوه زور خودشان که در حقیقت زورشان بیشتر میشود بگیرند و بدولت بدهند این عریض بنده بود اگر قبول بشود .

معزز الملک - ابتداء بنده تصور میکنم که

بکنند بهتر است از اینکه بدیگری واگذار نماید پس در صورتی که خود وزارت مالیه اعتراض میکند باینکه امروزه اسباب اداره کردن این املاک برای من فراهم نیست نمیشود این املاک را دور انداخت باید يك تکلیفی برای آنها معین کرد منتهی اینست که وقتی که درجه اول ممکن نمیشود باید پرداخت بدرجه دوم یعنی در صورتی که می بینیم اسباب اداره کردن این املاک برای دولت فراهم نیست باید با يك ترتیب صحیحی اجازه داده شود که آنها را اجاره بدهند

لواءالدوله -

عرض کنم این قانون يك علتی دارد که تقریباً همان طوریکه آقایان فرمودند مخالف است با قانون اساسی بجهت اینکه نقل و انتقال را بنده هم یکی از آنها می هستم که شامل اجاره میدانم و از این جهت هم در کلیات رأی ندادم و بنده هم شاید مایل نباشم باینکه خالصه دولتی اجاره داده شود ولی چون همان طوریکه فرمودند امروزه اسباب اداره کردن آن برای دولت فراهم نیست چندان مخالفتی ندارم باینکه این املاک را دولت اجاره بدهد اما بطور اجاره بدهد با بطوریکه پس از آنیکه بمعرض مزایده گذاشتند هر کس که پیدا شد صورت اجاره نامه او را بمجلس پیشنهاد بکند که مجلس هم نظریات خودش را در آن بکند نه اینکه همین طور بگوئیم وزارت مالیه مجاز است که هر طوری که دلش میخواد اجاره بدهد باید هر کس که بطور مزایده میخواد اجاره بکند با تصویب مجلس او اجاره بدهند .

افتخار الواعظین -

حقیقت امر این است که باید فی الجمله نظر انداخت باینکه چهارصد یارچه املاک قراء و قضایا خالصجات در حالتیکه محصول نزدیک برداشتن است بابتکلیف در صحرا مانده است و اینرا هم باید ملاحظه کرد که همین قسمتی که آقایان نمایندگان محترم متکلفند بحفظ حقوق ملت همین قسم مکلفند بحفظ حقوق دولت بجهت اینکه دولت باید همین عایدات را بدست بیاورد و به خرج منافع ایملت عرض بکنم میکنم و لایمفرمایند که این مخالف است با قانون اساسی بهیچوجه من الوجوه این قانون مخالفی با قانون اساسی ندارد بجهت اینکه مجلس شورای ملی و وزارت مالیه یا هیئت وزراء در آن وقت گفتگویشان در این بود که آیا اجاره هم باید بتصویب مجلس باشد یا اینکه نباید بتصویب مجلس باشد اینجا کمیسیون قوانین مالیه و وزارت مالیه در ذیل پیشنهاد کردن این سه ماده تصدیق میکنند که اجاره هم باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد این هیچ مخالفتی با قانون اساسی ندارد یکی دیگر اینکه يك هیئتی را وقتیکه معین میفرمائید که مدت آن از ۵ سال نباید تجاوز بکند و مستأجرین باید دارای چه شرطی باشند و این کار هم باید بطور مزایده انجام شود در این صورت معلومست که هر کس با شرایط سهلتر و مال الاجاره بیشتر ی طالب باشد باو داده خواهد شد اعم از اینکه رعایای خالصجات باشند یا دیگران يك نکته دیگری هم فرمودند که راجع ب اداره کردن بود البته حرف نیست که اداره کردن دولت این املاک را بهتر است از اینکه بدیگران واگذار کند و خودش با آنها کمک بدهد ولی وزارت مالیه شما میگوید که امروزه اسباب اداره کردن این املاک برای من فراهم نیست و الا جای گفتگو نیست که انسان اگر ملک خودش را اداره

تمام جزئیات امور اجرائیه شده است آقایان میفرمایند که خیلی بهتر است که این املاک بخود رعایا اجاره داده شود ببله بنده هم در این باب همراه موافقم و اگر خوب تأمل بشود این ماده هم همین را میگوید که وزارت مالیه مجاز خواهد بود که بشود باینکه بگوید که در این املاک را اجاره بدهد و در این وقت که درجه اول ممکن نمیشود باید پرداخت بدرجه دوم یعنی در صورتی که می بینیم اسباب اداره کردن این املاک برای دولت فراهم نیست باید با يك ترتیب صحیحی اجازه داده شود که آنها را اجاره بدهند

بمجلس پیشنهاد بکند که مجلس هم نظریات خودش را در آن بکند نه اینکه همین طور بگوئیم وزارت مالیه مجاز است که هر طوری که دلش میخواد اجاره بدهد باید هر کس که بطور مزایده میخواد اجاره بکند با تصویب مجلس او اجاره بدهند .

ماده اجازه داده میشود بوزارت مالیه که با استحضار خزانه دار کل این املاک را اجاره بدهد و این موافق است با آن قانونی که چند روز پیش راجع بوظایف خزانه دار کل و اختیارات او از مجلس گذشت برعکس بنده تصور میکنم این که شما در این ماده مجبور میکنید وزارت مالیه و خزانه دار کل را که بطریق مزایده اجاره بدهد و کمیسیون اگر میخواست يك طرحی پیشنهاد کرده باشد بهتر این بود که پیشنهاد میکرد وزارت مالیه مجاز است در اینکه املاک دولتی را اجاره بدهد یا اداره نماید هر طوری که خزانه دار کل صلاح بداند نه این که پیشنهاد بکنید که وزارت مالیه مجاز است در این که اجاره بدهد بخزانه دار کل هم اطلاع بدهد که مستحضر باشند و اگر آقایان میخواهند که نظر کرده باشند در قانونی که از مجلس گذشت و آن اختیاراتی که بخزانه دار کل داده شده است بنده تصور میکنم که بهتر این بود که در اینجا مینوشتند که وزارت مالیه مجاز است در این که املاک دولتی و خالصجات اطراف طهران را اجاره بدهد یا اداره بکند بتوسط خزانه دار کل و اما این که بعضی از آقایان میفرمایند که وزارت مالیه تصدیق میکند و ما تصدیق میکنم که اداره کردن آن ها برای وزارت مالیه ممکن نیست برعکس بنده تصور میکنم که با بودن مستخدم امریکائی اداره کردن خیلی خوب ممکن است و اما اینکه بعضی از آقایان فرمودند که سرخرمن است و محصول خالصجات بی تکلیف مانده است این تقصیر و کوتاهی از دولت است که مدتی است این مطلب را بابتکلیف معوق گذاشته است مثل اینکه الان هم می بینم که از يك طرف وزارت مالیه در روز نامجات اعلان مزایده مینماید و از طرف دیگر روز بعدش يك قراردادی را پیشنهاد مینماید که موافق آن کثرتت بایدك اشخاص معینی داخل مذاکره شده است و بنده خیلی جد داشتم در اینکه همان روزی که کثرتت کمیانی سابق در مجلس رد شد فوراً يك تکلیفی برای خالصجات معین بشود چنانچه آقای رئیس هم مسجوق هستند که دو روز بعد از انفضال کمیانی يك سؤال کرده بودم که برای خالصجات چه ترتیبی را اتخاذ کرده اند از برای اینکه بدولت و اهالی خالصه از آن راه خسارتی وارد نیاید

آقا شیخ غلامحسین - بنده همان نظریاتی را که در کلیات عرض کردم همان ها را تکرار میکنم اولاً چنانکه بعضی از آقایان اظهار کردند که این قانون مخالفی با قانون اساسی ندارد این يك مسئله است متنازع فیه اگر بنظر بعضی مخالفت ندارد بنظر بعضی دیگر که از جمله بنده هستم مخالفت دارد و در خصوص مخالف بودن این هم با نظام نامه داخلی چنانکه در کلیات عرض کردم در اینجا هم از حضرت رئیس اجازه میخوام که عرض کنم و آن اینست که در نظامنامه داخلی اینطور مینویسد که هر وقت يك طرحی از طرف نمایندگان پیشنهاد شد یا این که اول باید در مجلس قابل توجه بشود بعد برود بکمیسیون و یا این که رجوع بشود بعد از این که از کمیسیون راپورت داده شد به مجلس آمد در قابل توجه بودن آن رأی گرفته شود رجوع بشود .

معاون وزارت مالیه - اینجا بنده می بینم که اکثر تکیه کلام آقایان باین است که این مخالف است با قانون اساسی و حال اینکه هیچ همچو چیزی نیست اولاً در اصل موضوع نزاع است که آیا اجاره باید بتصویب مجلس باشد یا نباید باشد و ثانیاً در صورتی که مسلم شده که اجاره با مجلس است آنوقت خود مجلس که بموجب این ماده بوزارت مالیه اجازه داد عیناً موافق خواهد بود با مقصود مجلس و قانون اساسی و مخالفتی هم ندارد و اما در خصوص اداره کردن این املاک که آقای آقا شیخ غلامحسین اظهار کردند وزارت مالیه هم مخالفتی ندارد در اینکه مجلس اجازه بدهد که وزارت مالیه یا اجاره بدهد یا اداره بکند آنوقت وزارت مالیه اگر صرفه را در اداره کردن دید که البته اداره خواهد کرد و الا اجاره میدهد در اینکه مجلس پیشنهاد شده است من باب الاحتیاط است که اگر

رئیس - این مطلب موقتش اینجانیست باید در کلیات گفته شود .
آقا شیخ غلامحسین - بسیار خوب این را عرض نمیکنم این که آقایان فرمودند که در این

صرفه دولت را د اجاره دید بطریق مزایده اجاره خواهد داد والا خودش اداره میکند و هیچ ضرری ندارد و اما اینکه فرمودند وزارت مالیه قصور کرده است که تا بحال خالصجات را اداره نکرده است از آن روزی که آن کمیانی منحل شد يك اداره در وزارت مالیه تأسیس شده است باسم اداره خالصه جات و مأمورینی معین کرده است که مشغول ترتیبات آن هستند و محصول هم که الان وارد شهر میشود در تحت نظر وزارت مالیه است و لکن وزارت مالیه همینطور صلاح میداند که زودتر این مسئله از مجلس بگذرد و وقتی که تکلیف آن معلوم شد یا بطور مزایده یا بطور های دیگر اجاره بدهد از این جهت بنده عقیده ام این است که زودتر این را بگذارند و نگذارند طول بکشد که روز بروز اسباب خسارت است .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) شش فقره اصلاح پیشنهاد شده است سه فقره راجع بترتیب اجاره دادن است و سه فقره راجع بحق تقدم رعایا بر سایرین حالا آنچه راجع بترتیب اجاره دادن است خوانده میشود و رأی میگیریم (بترتیب ذیل قرائت شد)

۱- از طرف آقای حاج آقا . بنده پیشنهاد میکنم عوض جمله (با استحضار خزانه دار کل) با تصویب خزانه دار کل بنویسند

۲) از طرف آقای حاج شیخ علی بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده اول اضافه بشود : و صورت اجاره و شرایط آن بمجلس شورای ملی پیشنهاد بشود .

۳) از طرف آقای هشتاد و دی بنده پیشنهاد میکنم این جمله بآخر ماده اول ملحق شود . با استحضار خزانه دار کل و تصویب مجلس مقدس با جاره بدهد .

۴) از طرف آقای لواءالدوله بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این نوع نوشته شود . ماده (۱) وزارت مالیه مجاز است محصول خالصجات دولتی را بانظرات خزانه دار کل پس از تصویب مجلس مقدس شورای ملی با جاره دهد .

رئیس - يك پیشنهادی هم از طرف آقای آقا شیخ غلامحسین شده است که الان رسید خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده اول اینلایحه این قسم نوشته شود وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران را با اجازه خزانه دار کل اداره نموده و با تصویب او بطور مزایده اجاره بدهد **رئیس** - در پیشنهاد آقای حاج آقا چه میگوید کمیسیون قبول میکند ؟
معزز الملک - کمیسیون هیچیک از این پیشنهاد ها را قبول ندارد .
حاج آقا - بنده چون باین ماده موافقم و آن ایرادهائی که باین ماده شد چه از حیث مخالفت با قانون اساسی و چه از حیثیات دیگر جواب آنها داده شد دیگر در آن خصوص عرض ندارم ولی فقط

بنده چون در این پیشنهادی که کرده ام يك كلمه از ماده را تغییر داده ام و آن این است که استحضار خزانه دار کل تصویب خزانه دار کل نوشته شود باید توضیحی عرض کنم که چرا استحضار را بتصویب تبدیل کرده ام و همچنین اجازه را تصدیق کرده ام بدیهی است که با املاک دولتی را مثل سایر املاک اربابی باید بجهت حفظ محصول آنها آن ها را اجاره بدهیم و اجاره هست و بیع نیست بواسطه اینکه تا امروز نشنیده بودیم که اجاره بیع باشد والا باید يكلی نکات اجاره از فقه بیرو برود .

رئیس - این از موضوع خارج است .
حاج آقا - بله راجع با جاره دادن با تصویب خزانه دار کل است که میخوام عرض کنم .

رئیس - این راجع بیع بود که گفتید
حاج آقا - مقصود این است که این املاک را باید اجاره داد اما باید ببینیم بطور باید اجاره بدهیم یا اینکه هنوز آن اصل از قانون اساسی تفسیر نشده است ما امروز برای ترتیب املاک دولتی و اصلاح امور مالیه اطمینان داریم باینکه يك نفر خزانه دار کل داریم و باید همان طوری که عرض وزارت مالیه و کمیسیون بوده است و مایک چیزی در این ماده بنویسیم که نظرات او را در آن مدخلیت داده باشیم و این باینکه بنویسیم با استحضار خزانه دار کل باشد حاصل نمیشود برای اینکه بعد از اینکه يك ترتیبی وزارت مالیه برای این املاک قرارداد و بعنوان مزایده آنها را بمرخص اجاره گذاشت هر چه بنظر خودش رسید آنها را اجاره میدهد و خزانه دار کل فقط باید مستحضر باشد از آن بدون اینکه بتواند تغییری بدهد ولی ما نظرمان مدخلیت داشتن نظر خزانه دار کل است در ترتیب اجاره از این جهت باید بنویسیم با تصویب خزانه دار کل و وقتی که نوشتم با تصویب خزانه دار کل آنوقت در کلیه ترتیبات اجاره چه از حیث کمی یا زیادی مدت و چه از حیثیات دیگر اگر تغییری را لازم بداند میدهد ولی اگر بنویسیم با تصویب خزانه دار کل بالطبع او میتواند مداخله در آن بکند و باینکه ترتیب اجاره این املاک با استحضار او خواهد رفت و آن مدخلیت داشتن نظر خزانه دار کل است در ترتیب داشتن نظر خزانه دار کل است در ترتیب اجاره این املاک از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که کلمه استحضار بتصویب تبدیل شود تا اینکه آن مقصودی را که در نظر داریم حاصل شود و اجاره را هم تصدیق کرده ایم .

معزز الملک مخبر - اگر برای خزانه دار کل يك وظایف و حدودی معین نشده بود آنوقت فرمایش آقای حاج آقا صحیح بود ولی چیزی که هست اینجا این است که هیچ اسم خزانه دار کل هم برده نشود و استحضار او هم قید نشود بجهت اینکه يك لایحه آوردند بمجلس و گذشت که ۱۲ و ۱۳ ماده داشت و در اینجا يك تکلیفی برای خزانه دار کل معین کردند که من جمله رسیدگی بامور مالیه مملکت است از قبیل تقشیر و غیره یکی دیگر در ماده (۸) است که او را مکلف کرده ایم که هر قسم صرفه جوئی که صلاح بداند در معاملات دولتی ملاحظه و

بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده اول ملحق شود . با استحضار خزانه دار کل و تصویب مجلس مقدس با جاره بدهد .

بنده پیشنهاد میکنم این جمله بآخر ماده اول ملحق شود . با استحضار خزانه دار کل و تصویب مجلس مقدس شورای ملی با جاره بدهد .

بنده پیشنهاد میکنم این جمله در آخر ماده اول ملحق شود . با استحضار خزانه دار کل و تصویب مجلس مقدس شورای ملی با جاره بدهد .

بنده پیشنهاد میکنم این جمله در آخر ماده اول ملحق شود . با استحضار خزانه دار کل و تصویب مجلس مقدس شورای ملی با جاره بدهد .

بنده پیشنهاد میکنم این جمله در آخر ماده اول ملحق شود . با استحضار خزانه دار کل و تصویب مجلس مقدس شورای ملی با جاره بدهد .

نظر داشته باشد نه این است که با اطلاع بدهند تصدیق کرد و نکرد نکرد خبر این نیست و اینجا دیگر لازم نیست کلمه تصویب زیاد شود و همین قدر که نوشته شده است باستحضار او کافی است و البته وظایف او را هم يك قانون دیگر معین کرده است و او بوظایف خودش عمل خواهد کرد

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج آقا آقاییکه قبایل توجه میدانند این اصلاح را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - با اکثریت ۴۱ رأی تصویب و قابل توجه شد و حالا باید رأی در ماده باین اصلاح بگیریم سه فقره دیگر اصلاح است از طرف آقای منتصر السلطان و محمد هاشم میرزا و آقا میرزا یونس راجع بحق تقدم مستأجرین قرائت میشود و رأی میگیریم (سه فقره اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول از قرار ذیل اصلاح شود - وزارت مالیه مجاز است که املاک خالصه دولتی اطراف طهران و خوار را بطور مزایده با استحضار خزانه دار کل با اجازه بدهد حق تقدم در هر موقع با رعایای خالصه است.

منتصر السلطان - اصلاح دوم بنده پیشنهاد میکنم منضم بآخر ماده اول شود با تساوی شروط تقدم بارعایای ساکنین آن محل است

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول بطریق ذیل نوشته شود وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران و خوار را با استحضار خزانه دار کل با اجازه بدهد ولی در صورت تساوی شرایط ترجیح بهیشت جامعه سکنه این املاک داده خواهد شد - یوسف میرزایانس

رئیس - این سه فقره اصلاح راجع به يك مطلب است کمیسیون در این باب چه میگوید.

میرزا الملک - این مسئله راجع بمستأجرین و راجع بر رعایا است و کمیسیون هم مخالفتی ندارد در صورت تساوی شروط اگر بتوانند دولت را مطمئن بکنند که مال الاجاره بر برسانند چه عیب دارد البته مقدم هست.

رئیس - آن اصلاح آقا شیخ غلامحسین هم چون منافاتی ندارد باید خوانده بشود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این لایحه اینقسم نوشته شود.

وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران را با اجازه خزانه دار کل اداره نموده و یا بصوب او بطور مزایده اجازه بدهد.

رئیس - کمیسیون در این پیشنهاد چه میگوید.

مخبر - کمیسیون ابدأ قبول ندارد بجهت این که نمیشود این را نوشت بجهت این که وزارت مالیه اول باید بداند که میتواند اداره کند آن وقت دیگر اجازه اجاره دادن لازم نبود که بخواند و دیگر نمیتواند اداره کند دیگر این جا هیچ صورتی ندارد.

معاون وزارت مالیه - عرض کردم این تساوتی نخواهد داشت البته در صورتی که ممکن

شود اداره کند اداره میکند وزارت مالیه در این مخالفتی ندارد.

رئیس - مخالفتی ندارید قبول میکنید.

معاون مالیه - بله قبول میکنم.

رئیس - خوب حالا عجله برای این که اصلاحات را ماده بنوی بکنند تنفس داده میشود بعد از تنفس رأی گرفته میشود (در این موقع تنفس شد مجدداً بعد از تنفس نیم ساعت قبل از ظهر تشکیل گردید).

رئیس - ماده اول نظر باصلاحاتی که پیشنهاد شده بود تغییر داده شده و اصلاح شده است قرائت می شود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه در صورتی که موفق بادار کردن خالصجات دولتی اطراف طهران و خوار نشود مجاز است املاک مزبور را بطور مزایده با تصویب خزانه دار کل اجازه دهد در صورت تساوی شرایط و حصول اطمینان از پرداخت مال الاجاره حق تقدم بارعایای محل خواهد بود.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده اول بطوری که قرائت شد آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - با اکثریت ۵۸ رأی تصویب شده ماده ۲ قرائت میشود -

(ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - مستأجرین باید تبعه دولت ایران باشند **رئیس -** مخالفتی نیست؟

ادیب التجار - بنده پیشنهاد کرده ام در این ماده (بعبارت ذیل قرائت شد).

این بنده ماده دوم را باین عبارت پیشنهاد میکنم ماده ۲ - مستأجرین باید تبعه دولت ایران باشند و در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند.

رئیس - کمیسیون این پیشنهاد را قبول دارند یا خیر؟

میرزا الملک - بله قبول دارد.

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که چنانچه سابق هم گفته شد باید بطور تفریق و انتقال بانواع خارجه هم داده نشود اگر قبول دارند که خوب والا پیشنهاد میکنم.

رئیس - در این باب يك ماده الحاقیه از طرف آقای رنجانی پیشنهاد شده است بعد از قرائت خواهیم دید که جایش اینجاست یا باید بطور ماده الحاقیه نوشته شود.

(اصلاح رنجانی بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم يك ماده بقانون اجازه خالصجات باین عبارت الحاق شود هر گاه در ظرف مدت اجاره حصه یکی از شرکاء بیکی از تبعه خارجه انتقال یابد دولت حق فسخ آنرا نسبت بآن حصه داشته باشد

رئیس - بنده تصور میکنم جای این ماده همین جاست.

رئیس - ماده (۲) با اصلاح مجدداً قرائت میشود.

ماده ۲ - مستأجرین باید تبعه دولت ایران باشند

و در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند و هر گاه در ظرف مدت اجاره حصه یکی از شرکاء به یکی از تبعه خارجه انتقال یابد دولت حق فسخ آنرا نسبت بآن حصه خواهد داشت.

آقا میرزا اسدالله خان - بنده مخالفم در اینکه غیر از این سه ماده که پیشنهاد شده است او را امروز در مجلس بگذرانیم گمان میکنم کافی باشد که همان نوشته شود تبعه خارجه نباشد شرایط دیگرش را وزارت مالیه خودش معین خواهد کرد مثلاً اینکه میگویند حصه خودشان را انتقال بخارجه بدهند و شروط های دیگر که در اینجا لازم نیست مادراین مواد بگذرانیم فقط تبعه خارجه نبودهش کافی است.

مخبر - این نظر صحیح است ولی چون این اصلاحات پیشنهاد شده در واقع وارد است باین جهت کمیسیون قبول کرده است کمیسیون پیشنهاد کرده است که تبعه خارجه نباشند این اصل است آنوقت يك شقی که راجع بهمین است آقای ادیب التجار پیشنهاد نمود که در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند این صحیح است باوجود اینکه اینجا معین شده است خارجه نباشند شقوق آنرا هم اینجامعین کرده اند که بوثیقه نزد خارجه گذاشته شود کمیسیون ابتدا نظرش بر این بود که همینقدر کافی است و باقی شقوقش را هم خود مالیه معین خواهد کرد از این جهت باین اکتفا نمود بعد چون این اصلاحات پیشنهاد شد و دید که وارد است از این جهت قبول کرد **دکتر حاج رضاخان -** بنده متوجه میکنم نظر آقایان را در آن طرح قانونی که پیشنهاد شده بود از برای اجاره و استجاره همین ماده در او بود و او محکمتر از این بود ولی بعد ممکن است که تبعه خارجه بشود یا در بودن وارثش تبعه خارجه باشد و مستأجر شود و این دو قید شود در اینجا بهتر است و اینها در آن قانون بود و بنده او را خیلی کاملتر از این میدانم.

میرزا الملک - بنده تصور میکنم که این دو فقره در اینجا داخل شده باشد اینکه بنویسیم که اگر يك حصه راجع بتبعه خارجه شود یعنی چه بفروشد چه بطور ارث برورته او برسد که تبعه خارجه باشد خود او در همین ماده هست که نباید تبعیت خارجه را قبول نماید یعنی مستأجر بودن خالصجات دولتی بانتمیت خارجی نمیشود اعم از اینکه در ابتداء باشد یا در انتها.

رئیس - ماده مجدداً قرائت میشود و رأی گرفته میشود (مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم باین ماده بطوریکه قرائت شد آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۳ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت اجاره از پنجسال نباید تجاوز بکند.

عز الملک - بنده چون عقیده ام این است که دولت هروقت مقتضی شد املاک خالصه را بفروشد از این جهت پیشنهاد میکنم که مدت اجاره سه سال دکتر علیخان که مدت را موکول بتصویب خزانه دار

باشد اگر بعد از یکسال یا دو سال دیگر دولت این عقیده را پیدا کرد آنوقت یکسال یا دو سال بیشتر مانع از برای فروش نداشتند باشد.

میرزا الملک - بنده تصور میکنم که اجاره مانع از فروش نباشد تا آنجا معین نکرده است حکماً باید پنج سال باشد آن حد اکثری که ممکن است اجاره داده شود پنجسال خواهد بود حالا با آن نظر خردار کل اگر صلاح دانستند سه ساله یا دوساله اجاره داده شود این حد اکثر است ممکن است که کمتر هم اجازه بدهند.

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است)

رئیس - دوقره پیشنهاد شده است از طرف آقایان دکتر علی خان و عز الملک قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۳) اینطور نوشته شود تعیین مدت اجاره باید بتصویب خزانه دار کل باشد.

بنده پیشنهاد میکنم (ماده) اینطور نوشته شود. مدت اجاره از سه سال نباید تجاوز نکند. (عز الملک)

مخبر - پیشنهاد آقای دکتر علیخان در واقع در اینجا بعمل آمده است بجهت اینکه يك حدی را برای اجاره دادن این املاک قرار داده اند و آنوقت بتصویب خزانه دار کل هم واگذار کردیم پس او در این سه پنجسال هر مدتی را صلاح بداند میتواند تصویب کند اما آن پیشنهاد آقای عز الملک هم عرض کردم که دارای اشکالی نیست.

دکتر علیخان - بله اینجائی که فرمودند بنده عقیده ام این است که اصلاً اینماده سوم صحیح نیست بجهت اینکه بتصویب خزانه دار کل که باشد البته مدت و سایر شرایط او را نظر خواهد کرد و در صورتیکه اختیار تصویب با او داده شود بنده تصور میکنم که دیگر مدت را معین کردن لازم نیست بهترش این است که این ماده بکلی حذف شود و همان ماده اول کافی باشد نبود این پیشنهاد خودم را مسترد میدارم اگر این ماده حذف شود و اگر او باید تصویب بکند دیگرما از برای او اسباب اشکال فراهم میآوریم گویا صحیح نباشد بجهت اینکه ممکن است که نظر او پنجسال را کم بداند یا نظریات دیگری داشته باشد پس ما چه میدانیم که نظر او در مدت چیست باید کلیه را بنظر او واگذار نمود.

عز الملک - بنده که عرض کردم بهترین است مدت اجاره را کم قرار بدهیم که اگر دولت دارای این عقیده نبود که املاک خالصه را بفروشد مانع برای فروش نداشتند باشد مقصود این بود در صورتیکه مدت اجاره زیاد باشد کمتر پیدا خواهد شد و آن مبلغی که باید بدهد چون مدت اجاره زیاد است نمیدهد.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای عز الملک که مدت را سه سال قرار داده اند آقایی که قابل توجه میدانند این اصلاح را قیام نمایند (قابل توجه نشد)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح دکتر علیخان که مدت را موکول بتصویب خزانه دار

کل نموده آقایی که تصویب میفرمایند قیام نمایند (کسی قیام نمود جزم نمودی)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح (کسی قیام نمود جزم نمودی)

بنده پیشنهاد میکنم که کمیسیون راپورت داده است آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد. دوقره ماده الحاقیه از طرف آقایان افتخار الواعظین و محمد هاشم میرزا پیشنهاد شده قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این ماده بعنوان ماده ۴ اضافه شود: حکومت ایلات و دهات و محاکمه و الفصل خصوصیات حقوقی و جزائی و مالیات غیر خالصه نباید واگذار بمستأجرین بشود

(محمد هاشم میرزا)

رئیس - گویا آن ماده الحاقیه آقای افتخار الواعظین هم شامل این میشود.

محمد هاشم میرزا - اگر چه میتوان یقین کرد که دیگر يك اجاره مثل اجاره سابق داده نمیشود لکن محض پیش بینی که نویسد کمیسیونی خالصجات و ایلات حکومت - برای اینکه حکومت و خصوصیات با مستأجرین نباشد این ماده را پیشنهاد کردم پیشنهاد آقای افتخار هم شاملش هست ولی بنده محض توضیح این را پیشنهاد کردم که آنهاشیکه اجاره میکنند بطور وضوح بدانند که غیر از اجاره چیز های دیگر ممنوع است و تقاضا میکنند رأی گرفته شود.

رئیس - کمیسیون در این پیشنهاد چه میگوید

میرزا الملک - کمیسیون قبول ندارد و جای این ماده این جا نیست بجهت اینکه خیلی از مواد ممکن است که پیدا شود اینجا داخل کنیم آنوقت دیگر لازم نبود که اجازه بدهیم بوزارت مالیه که اجازه بدهد خودمان موادی را برای اجاره ترتیب میدادیم.

معاون مالیه - به علاوه این مسئله برخلاف قانون است که حکومت بدهند بيك مستأجرى چطور میتواند وزارت مالیه برخلاف قوانین مقرر رفتار نماید

افتخار الواعظین - مراد بنده از این پیشنهاد نه این است که حکومت محل را بدهند بمستأجرین ممکن است که مستأجرین بگویند از برای اینکه ما يك قدرتی داشته باشیم که بتوانیم مال الاجاره خودمان را بگیریم تعیین حکومت محل باید بتصویب کمیسیونی باشد یا در بین رعایا گفتگوئی شد رفع این گفتگوها با مستأجر باشد یا برای انتظامات محلی مستأجر بگوید که من لازم میدانم دولت يك همچو امتیازی را باین بدهد تا اگر چنانچه یکنفر از مستأجرین جزء از رعایا مال الاجاره را نپرداخت من حق داشته باشم او را بیاورم حبس بکنم و خود مال الاجاره را از او بگیرم این است که بنده پیشنهاد کردم که در آن اجاره نامه شرایطی که نوشته خواهد شد باید از حدود اجاره و استجاره خارج نباشد یعنی فقط معین بکند مدت اجاره و وجه اجاره را تعیین حکومت فصل

خصوصیات و حبس کردن رعایا اینها جزو اجاره نامه نباشد و جداً ممنوع باشد حالا گمان میکنم که لازم باشد این پیشنهاد بنده.

مخبر - بنده باز تکرار میکنم که این از قبیل توضیح واضحات است و این بعینه مثل این است که يك کمیسیونی دیگری پیدا بشود باینکه مستأجرینی پیدا شود که آنها از تکالیف آنها باشد مملکتی که دارای ادارات معین و حدودی است هیچیک اجازه نمیدهند که مستأجر قضاوت با حکومت بکند و اگر بکنند بر خلاف کرده اند.

رئیس - خوب شما پیشنهاد محمد هاشم میرزا را قبول دارید یا خیر.

افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد خودم را استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد محمد هاشم میرزا مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نمود)

رئیس - قابل توجه نشد - شور در مواد ختم شد مذاکره در کلیات است در کلیات مخالفتی نیست؟ (هشترودی - بنده مخالفم.)

هشترودی - اگر چه آقایان باظهار خودشان تصدیق کردند که این جور چیزها راجع بمجلس است و بنده بعهده خودم آقای مخبر و آقای معاون مالیه تصدیق کردند و گفتند که عیب ندارد این جور نوشته شود و این سه ماده هم از مجلس میگذرد منافاتی با آن اصل قانون اساسی نیست که باید از تصویب مجلس بگذرد اما بنده چون عقیده ام این است با اینکه با استحضار و تصویب خزانه دار کل هم نوشته شده باز هم آن حق مجلس را بنده لازم میدانم که باز تمام شروط و مواد اجاره که معین شده بهتر است بمجلس بیاید و مجلس در آن نظرات بکند لهذا در این کلیات بنده باز مخالفم و باین مواد رأی نخواهم داد چنانچه رأی نداده ام

میرزا الملک - بنده در این موقع نمیخواهم تجدید مذاکرات نمایم و اینکه فرمودند مخبر تصدیق کرده که از وظایف مجلس است خرید بنده هرگز تصدیق نکردم که از وظایف مجلس است بجهت اینکه عقیده شخص بنده این است که اجازه از وظایف مجلس نیست و مجلس شورا نمیتواند برای اجاره دادن دکان سبزه میدان داخل مذاکره بشود ولی بنده عرض کردم برفرض که آن ماده قانون اساسی طوری تفسیر شود که اجازه از تکالیف مجلس است طوری این پیشنهاد نوشته شده است که در آن صورت هم مخالفتی نخواهد داشت و اگر عرض نشود که اجازه از وظایف مجلس نیست باز همان کسی که حق داشته است و اجازه داشته است املاک خودش را اجاره داده است

آقا شیخ رضا دهخوارقانی - بنده از عرایض سابقم معلوم بود که مخالف کلی این لایحه بودم که اجازه اجاره دادن بوزارت مالیه داده شود جهش هم آن بود که مخالفت با قانون اساسی بود بجهت اینکه گرچه ماده قانون اساسی را مشمول این میدانم ولی این فروش است نه اجاره ولو اینکه در اجاره هم شپه باشد باز فروش است و اینکه آقای مخبر فرمودند که اجازه دکان سبزه میدان نباید بمجلس

باید بنده عرض میکنم عمده وظیفه مجلس شورای ملی نظارت در مالیه مملکت است ولو يك شاهي باشد باید خیلی دقت بکنید که تفریط نشود اجاره دکان سبزه میدان نباشد تصور بفرمائید که يك دکان کوچکی در سبزه میدان میخواهد دولت بفروشد این باید بتصویب مجلس باشد و چیزی هم که فروخته میشود باید با اجازه مجلس باشد و این هیچ شکی نیست که فروش است نه اجاره والحمدالله که بمجلس هم آمده است و استجازه کرده اند از مجلس در این اشکال نیست ولی اشکال در آن است که بنده عرایض سابقم را عرض می کنم امر دائر است بین اینکه فروخته شود حقوقیکه دولت دارد یعنی حقوقیکه از محصولات دارد مباشرین یا يك کمیانی یا اینکه دولت حقوق خود را از سکنه خالصات بتوسط مأمورین خود بگیرد بنده عقیده ام این است که این دویمی بهتر است برای اینکه دویمی هم حقوق نفوسی و مالی و عرض و سکنه محفوظ خواهد ماند بعلمت اینکه هر يك از اینها البته شرف دارند بهر کدام از اینها يك سیلی بزنند یا چوب بزنند فحش بدهند عرض آنها را برده اند و همه شما ها شنیده اید که کمیانی در این چند ماه چه ها کرده اند آنها هم البته مثل شما هستند شما هم مثل آنها هیچ فرق ندارید چنانچه بهر يك از شما فحش دادند و در ظاهر بزرگتر از شما هم باشند از حیث مالیه و غیره البته بعزت و شرف شما بر می خورد پس باید شرف آنها محفوظ باشد پس باین جهاتی که عرض کردم بنده هیچ تصدیق و تصویب نمیکنم این خالصه بکمیانیها اجاره داده شود دولت باید این حقوقات را بتوسط مأمورین خود از سکنه خالصات بگیرد و اداره کند آنچه گفته میشود در مقابل اظهارات بنده البته آقای معاون وزارت مالیه اظهار نکردند و تصدیق نکردند ولی بعضی از نمایندگان اظهار کردند که دولت مقتدر نیست یعنی نمیتواند که چهارصد پارچه ده را اداره بکند دولت و وزارت مالیه مملکت ایران تمام مالیه مملکت ایران را میخواهد اداره کند و کرده است و تا حال که آن دوره دوره بیگانگان بوده است از اینجهت اختلال بوده تمام مملکت را از امروز اداره کنند نه چند پارچه ده اگر دهات مختصری را نتواند اداره کند چطور تمام ایران را میخواهد اداره کند این هیچ منطقی نیست پس از همان جهاتی که عرض کردم بنده تصویب نمیکنم که به کمیانی اجاره داده شود .

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد (گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم بکلیه این لایحه وزارت مالیه که شامل سه ماده است از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد - آقای معاون مالیه اظهاری داشتید .

معاون مالیه - لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده بود راجع بدو فقره بود یکی راجع بقرارداد جدید کمیانی و یکی راجع بخسارت کمیانی و اینطور تقاضا شده بود از طرف وزارت مالیه و اگر قرارداد آنها را تصویب نفرمودند بکفراری در باب خسارت آنها بدهند مسئله قرارداد

که راجع بکمیسیون قوانین مالیه بود راپورتش را بمجلس تقدیم کرد و از مجلس گذشت و آن کمیانی منحل شد یعنی مجلس آن را قبول نکرد فقط میماند مسئله خسارت که رجوع شده است بکمیسیون بودجه و وزارت مالیه تقاضا میکنند که زودتر راپورت او را بمجلس بدهد تا اینکه مالیه تکلیف خودش را با اعضاء کمیانی بداند و صورت مفصلی هم داده اند بمالیه مشغول تفتیش است بیک صورت صحیحی هم تقدیم کمیسیون خواهد گردید .

مخبر کمیسیون بودجه - لایحه کمیانی خالصه که در خصوص خسارت پیشنهاد شد در کمیسیون مطرح شد ولی لایحه طوری نبود کمیسیون بتواند داخل مذاکره بشود بجهت اینکه وزارت مالیه تصدیقی در این خسارت نکرده بود فقط يك کمیسیون در وزارت مالیه تشکیل شده با کمیانی خالصه بعضی مواد نوشته اند و در آن کمیسیون بعضی راپورتها داده است و بعضی مواد را هم موکول کرده است بنظر وزیر مالیه در آن لایحه معلوم نبود در کمیسیون این طور مذاکره شد که وزیر مالیه عقیده قطعی خودش را در باب خسارت بمجلس پیشنهاد بکنند تا آن وقت کمیسیون بودجه داخل مذاکره شود .

معاون مالیه - اظهاراتی را که کمیانی خالصه در این باب کرده بود در وزارت مالیه رسیدگی شده نهایت وزارت مالیه باید در دفتر آنها پاره تفتیشات بعمل بیاورد که مالیه بتواند بعد از آن صحت و سقم اظهار آنها را بمجلس پیشنهاد نماید و وزارت مالیه مشغول تفتیش است بعد از آنکه تفتیش او کامل شد راپورت آن را بمجلس میدهد ولی تقاضائی که هست این است بعد از آنی که بمجلس آمد زودتر بگذرد .

رئیس - تقاضائی است از چند نفر نمایندگان راجع باین که عده جلسات در هفته دو جلسه باشد قرائت میشود بدون مذاکره رأی میگیریم (تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) ما امضاء کنندگان نظر بگرمی هوا تقاضا مینمائیم از اول سرطان تا آخر اسد جلسات مجلس را دو روز در هفته مقرر فرمائید که سه شنبه و پنجشنبه باشد امضاء (۲۰) نفر نمایندگان .

رئیس - در این تقاضا اول رأی بعد از جلسات میگیریم آقایانی که تصویب میکنند جلسات مجلس در هفته دو روز باشد قیام نمایند (عده معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - بعضی از اعضاء کمیسیون نظامنامه انتخابات شکایت میکنند که بعضی از اعضاء حاضر نمیشوند و از این جهت کار کمیسیون نمیگذرد و معوق مانده است و از قرار معلوم چون در بعضی از مواد نظام نامه موافقت پیدا نشده و اکثریتی حاصل نمیشود اینست که نمیتوانند راپورت بدهند متذکر میکنم آقایان را که لازم نیست همیشه در يك مطلبی اکثریت شود ممکن است که راپورت بدهند و آن مطلب را رجوع کنند بمجلس که بیش از این مطلب بعهده تعویق نیفتد دیگر اینکه کمیسیون داخله شکایت میکند که رئیس کمیسیون اغلب حاضر نمیشود نایب رئیس هم ندارند اینست که اغلب عده برای مذاکرات کافی نمیشود آن شخصیکه رئیس است اگر نمیتواند حاضر شود خوب است یا از

ریاست یا از عضویت استعفا بدهد . دستور جلسه پنجشنبه بقیه قانون تفرقه تلگرافی شور اول قانون جنگلها - طرح قانونی . عز الملک راجع بدم استخدام نمایندگان بشغل دولتی - راپورت کمیسیون بودجه - راجع بوراث سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد مخالفی نیست ؟ (مخالفی نبود)

جلسه ۲۶۳ صورت مذاکرات روز پنجشنبه ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۶

مجلس سه ساعت و ربع در تحت ریاست آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس افتتاح و سه ساعت قبل از ظهر رسماً تشکیل گردید . صورت مجلس قبل قرائت گردید (غائبین جلسه قبل) .

بدون اجازه - ناصر الاسلام با اجازه بهجت - حاج شیخ الرئیس - حاج امام جمعه آقایانی که ار وقت مقرر تأخیر نموده اند - نجم آبادی - آقا سید محمد باقر ادیب

نایب رئیس - ملاحظاتی هست ؟ **ادیب التجار** - در خصوص سئوالات ابتداء بنده عنوان کردم که اغلب این سئوالات را شش و هفت ماه است داده ام بهیئت رئیسه و بر کرده اند یا هیئت دولت حاضر نشده اند و جوابهای بنده را نداده اند این مطلب در صورت مجلس قید نشده و لازم بوده است قید شود و مطلب دیگری که فراموش شده سئوال دوازدهم است در باب جنس دولتی از قلم افتاده است بنده سئوال کردم که جنس دولتی امسال چقدر است و تسعیر میشود یا نمیشود جواب دادند و این سئوال نوشته نشده است .

نایب رئیس - این مطلب ثانی نوشته میشود ولی مطلب اول را نمیشود نوشت بجهت اینکه هر مذاکره که در مجلس در ضمن سئوال میشود نباید همه را نوشت .

ادیب التجار - این کلی است و از قلم افتاده است .

نایب رئیس - چهار فقره راپورت از کمیسیون تفسیر رسیده است دو فقره راجع بنظام يك فقره راجع بتمتع قانون اساسی در باب اجازه و استجازه و يك فقره در باب وظایف طبع و توزیع و جزء دستور میشود - آقای منتصر السلطان راپورتی داشتید ؟

منتصر السلطان - راپورتی است برای استحضار خاطر آقایان قرائت میکنم (راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) :

تقریباً از دو ماه قبل کمیسیون عرایض مصمم بود که خاطر محترم آقایان نمایندگان را از بعضی اوضاع ناگوار مملکت و رفتار بعضی حکام باهالی بموجب عریضه جاتی که بمجلس مقدس تقدیم شده و میشود مسبوق نماید تا اینکه بواسطه کثرت شکایات لزوماً کمیسیون عرایض خود را مکلف میدانند بتقدیم این راپورت یکی از امورات مهمه وضع ناگوار مازندران است و سایر مسائل مربوطه بان جا که حاجت بشرح و تفصیل نیست